

میزان الصرف

تالیف:

سراج الدین عثمان اودی

تسهیل و تنظیم:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

میزان الصرف

تألف:

سراج الدین عثمان اودهی (رح)
متوفای ۷۵۸ هـ

منتخب

تألف:

ملاحمزه بدایونی هندی (رح)

ترتیب و تسهیل:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ویرایش و تصحیح جدید

سراج الدین عثمان، اودھی، ۷۵۸ ق

میزان الصرف / تألیف سراج الدین عثمان اودھی. منشعب / تألیف ملاحمزه بدایونی هند،
تسهیل و ترتیب: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی. (ویرایش جدید).

ISBN 964-7381-02-6

زاهدان: فاروق اعظم، ۱۳۸۶.

د، ۱۴۴ص: جدول.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. چاپ پنجم.

زبان عربی-صرف. الف. بدایدنی هندی. حمزه. منشعب ب. مرادزهی، عبدالمجید، ۱۳۳۹-،

گردآورنده. ج. د. عنوان: منشعب.

۱۳۸۶

۴۹۲/۷۵

Pj ۶۱۳۱/ ۴م۹

۸۰- ۱۵۹۰۳

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری:

میزان الصرف و منشعب

تألیف: سراج الدین عثمان اودھی (رح)

ترتیب و تسهیل: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ناشر: انتشارات فاروق اعظم

امور فنی و نظارت چاپ: مؤسسه فرهنگی پژوهشی المرتضی

نوبت چاپ: هشتم

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۰

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۷۳۸۱ - ۰۲ - ۶

مرکز پخش: زاهدان خیابان خیام روبروی مسجد جامع مکی

تلفن: ۰۵۴۱ - ۲۴۱۸۸۳۸

فهرست مطالب

۱ مقدمه
۲ زبان، جمله، کلمه، حرف
۸ حروف در زبان عربی
۸ علوم عربیه
۹ علم صرف
۹ تعریف:
۹ فایده علم صرف:
۱۰ موضوع علم صرف:
۱۰ تعریف لفظ و کلمه:
۱۱ انواع کلمه:
۱۲ واضع و مدون علم صرف:
۱۲ مؤلف «میزان الصرف»:
۱۵ درس اول: تعریف فعل
۱۵ انواع فعل مُتَصَرِّفٌ به اعتبار زمان
۱۷ درس دوم: تعداد صیغه‌های فعل ماضی و مضارع
۱۸ فعل معلوم و مجهول
۱۹ طریقه ساخت فعل ماضی مجهول
۲۱ درس سوم: فعل مثبت و منفی
۲۱ فعل ماضی منفی
۲۴ درس چهارم اقسام فعل ماضی
۲۷ درس پنجم فعل مضارع و چگونگی ساخت آن
۲۸ فعل مضارع مجهول مثبت
۳۲ درس ششم فعل مضارع منفی
۳۷ درس هفتم فعل جَحَدٌ منفی با «لَمْ» جازمه
۴۱ درس هشتم فعل مستقبل مؤکد با لام و نون تأکید

۴۸ درس نهم روش ساختن فعل امر
۴۹ روش ساختن امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول
۵۶ درس دهم روش ساخت فعل نهی
۶۴ درس یازدهم روش ساخت اسم فاعل و اسم مفعول از «ثلاثی مجرد»
۶۷ درس دوازدهم اسم ظرف زمان، مکان و اسم آله
۷۰ درس سیزدهم اسم تفضیل
۷۳ درس چهاردهم حروف اصلی و زائد، ثلاثی و رباعی
۷۵ درس پانزدهم ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۱)
۷۹ درس شانزدهم ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۲)
۸۳ درس هفدهم ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۳)
۸۵ درس هجدهم ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۱)
۸۸ درس نوزدهم ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۲)
۹۱ درس بیستم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)
۹۵ درس بیست و یکم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)
۹۸ درس بیست و دوّم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)
۱۰۱ درس بیست و سوّم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۴)
۱۰۵ درس بیست و چهارم نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)
۱۰۹ درس بیست و پنجم نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)
۱۱۲ درس بیست و ششم نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)
۱۱۴ درس بیست و هفتم رباعی و انواع آن (۱)
۱۱۷ درس بیست و هشتم رباعی و انواع آن (۲)
۱۲۰ درس بیست و نهم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۱)
۱۲۵ درس سی ام ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۲)
۱۳۰ درس سی و یکم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۱)
۱۳۳ درس سی و دوّم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۲)
۱۳۷ درس سی و سوّم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۳)



پیشگفتار چاپ دوم

الحمد لله رب العلمين و الصلاة و السلام على سيد الانبياء و خاتم المرسلين و على آله و أصحابه أجمعين إلى يوم اليقين.

رساله هذا كتابي است به نام «میزان الصرف» با ضمیمه «منشعب» که در حدود شش قرن پیش، در علم صرف نوشته شده و چون برای مبتدیان و نوآموزان بسیار مفید و در سطح فهم آنان می باشد، در طول این مدت در تمامی مدارس و حوزه های علمیه، تدریس می شده و طلاب علوم دینی از آن بهره وافر می گرفته اند.

در حال حاضر نیز در مدارس عربیه بعنوان اساسی ترین کتاب در فن صرف برای نوآموزان در نظر گرفته شده و تدریس می شود و جزو برنامه درسی «شورای هماهنگی حوزه های علمیه اهل سنت سیستان و بلوچستان» نیز می باشد.

در عصر حاضر که برای طلاب و دانش آموزان مراحل ابتدایی بهترین روش تدریس، روشی است که همراه با پرسش و تمرین بوده و متن و زبان کتاب نیز ساده باشد.

اینک بنا به پیشنهاد بعضی از بزرگان و دوستان، بر آن شدم تا این رساله را به همان روش در آورم که با فضل خداوند متعال این کار آغاز و انجام پذیرفت.

چاپ اول کتاب در تیراژ پنج هزار جلد به پایان رسید. البته اشکالات چاپی در آن وجود داشت، که در چاپ دوم ضمن رفع اشکالات، یک بازنگری کاملی در آن صورت گرفت و در قسمت تمرینها اضافاتی نیز بعمل آمد و با حروفچینی جدید اینک تقدیم علاقمندان می شود.

چنانچه اساتید محترم، دین واقعی خویش را در تدریس آن و دانش آموزان عزیز، مسؤولیت خطیر آموختن و تعلم صحیح خویش را ادا کنند، پس از خواندن این کتاب، اساس و ریشه صرفی آنان بسیار تقویت خواهد شد و بهره کاملی از علم صرف خواهند برد.

در پایان از اساتید بزرگوار و علمای اعلام استدعا می شود هرگونه نظر و پیشنهادی را در این باره، متذکر شوند تا به عون الله در چاپهای آینده ملحوظ نظر قرار گیرد.

از همه خوانندگان و استفاده کننده گان التماس دعای خیر و توفیق بیش از پیش را دارم.

و من الله التوفیق و علیه التوکل و الاعتماد

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

شهرپور هزار و سیصد و هفتاد و شش

مشهد - وکیل آباد

مقدمه

برای یادگیری هر زبان، نخست یادگرفتن قواعدی لازم است که بتوان با آن قواعد، آن زبان را به خوبی یاد گرفت.

این قواعد را به فارسی: «دستور زبان»

و به عربی: «صرف و نحو»

و به انگلیسی: «گرامر» گویند.

زبان، جمله، کلمه، حرف

زبان: مجموعه‌ای از «جملات» و عبارات یک قوم است که با آن تکلم می‌کنند.

جمله: مجموعه‌ای از «کلمات» است که به یکدیگر نسبت داده شده باشد.

کلمه: مجموعه‌ای از «حروف» است که دارای معنی باشد.

بنابراین، یک زبان بدینصورت ترکیب و درست می‌شود:



حروف در زبان عربی

زبان عربی دارای بیست و هشت «حرف و الفبا» می باشد. و هر یک از آنها اسمی و رسمی دارد. اما اسم آنها عبارت است از:

الف و همزه، باء، تاء، ثاء، جیم، حاء، خاء، دال، ذال، راء، زاء، سین، شین، صاد، ضاد، طاء، ظاء، عین، غین، فاء، قاف، کاف، لام، میم، نون، هاء، واو، یاء.

و اما رسم و شکل آنها عبارتست از:

ا - ب - ت - ث - ج - ح - خ - د - ذ - ر - ز - س - ش - ص -
ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - ل - م - ن - ه - و - ی.

علوم عربیه

علوم عربیه که به آن «علوم ادبیات عرب» نیز می گویند، چهارده علم است.

۱- علم صرف ۲- علم اشتقاق ۳- لغت ۴- نحو ۵- کتابت ۶- قرائت ۷- تجوید
۸- معانی ۹- بیان ۱۰- بدیع ۱۱- شعر ۱۲- انشاء ۱۳- أمثال ۱۴- تاریخ ادب.

که مهم ترین و اساسی ترین این علوم، سه علم: «صرف، نحو و لغت» است، و کسی که با این علوم مخصوصاً «صرف، نحو و لغت» آشنایی داشته باشد، بر زبان عرب مسلط است و می تواند به خوبی از «آیات و روایات» و... بهره وری و استفاده کند.

علم صرف

تعریف:

«صَرْف» در لغت به معنای «تغییر دادن» است، یعنی یک شیئی را از یک حالت به حالت دیگر تغییر داد. چنانکه می‌گویند:

«صَرَّفْتُ الشَّيْءَ» ای «غَيَّرْتُهُ»

و در اصطلاح علمای صرف، «علمی است که گفتگو می‌کند از نقل و تغییر یک کلمه به صورت‌های گوناگون تا معانی مقصود و دلخواه بدست آید» به عبارتی دیگر:

«علم صرف، علمی است که در آن از صورت‌ها و هیئتهای گوناگون کلمات مفردة موضوعه عربیه، بحث می‌شود و قواعد و اصول ساختن کلمه را به انسان می‌آموزد.»

مانند: «ضَرَبَ» (زد) که پس از نقل به صورت‌های دیگر، می‌شود:

«يَضْرِبُ» (می‌زند)، «ضَارِبٌ» (زننده)، «مَضْرُوبٌ» (زده شده)،

«إِضْرِبُ» (بزن) و غیره.

بنابراین، می‌گویند: کلمه «ضَرَبَ» صرف شده است.

فایده علم صرف:

در هر زبانی بسیاری از کلمه‌ها، از کلمه دیگری گرفته می‌شوند. مثلاً

در فارسی کلمه‌های:

«خواندم - خواندی - خواند - بخوان و یا: می خوانم - می خوانی - می خواند و...» از ماده «خواندن» گرفته شده‌اند. در عربی نیز چنین است؛ و علمی که در پرتو آن، این نقلها و تغییرات انجام می‌گیرد، «علم صرف» نام دارد. بنابراین، باید «علم صرف» را بیاموزیم تا:

- ۱- کلمه‌ها را به خوبی بشناسیم
- ۲- به معانی آنها بخوبی پی ببریم
- ۳- و بتوانیم برای هر معنای دلخواه‌مان، مطابق استعمالات و کاربردهای عرب، کلمات مناسب بسازیم؛ و اینست فایده علم صرف.

موضوع علم صرف:

موضوع این علم، عبارتست از «کلمه» زیرا از آغاز علم صرف تا پایان آن، از صورتها و هیئتهای نوعی و گوناگون «کلمه» بحث می‌شود.

تعریف لفظ و کلمه:

به هر صورت و صدایی که از دهان خارج شده و بر مخارج حروف تکیه داشته باشد، «لَفْظ» گویند.

لفظ بر دو گونه است:

۱- لَفْظٌ مُسْتَعْمَلٌ: لفظی است که دارای معنا باشد؛ مانند: قَلَمٌ، كِتَابٌ،

آب و به اینگونه الفاظ، «کلمه» گویند.

۲- لَفْظٌ مُّهِمَلٌ: لفظی است که دارای معنا نباشد، مانند: مَلَمٌ در مقابل قَلَمٌ، كِتَابٌ در مقابل کتاب و غیره.
 پس، کلمه «لَفْظٌ مُّسْتَعْمَلٌ» است که دارای معنا و مفهوم خاصی باشد».

انواع کلمه:

کلمه بر سه قسم است: اسم، فعل، حرف

۱- اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و در آن، قید زمان موجود نباشد. مانند: «عِلْمٌ» (دانستن) - «رَجُلٌ» (مرد)

۲- فِعْلٌ: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و قید زمان در آن موجود باشد. مانند: «ضَرَبَ» (زد آن مرد در زمان گذشته)

۳- حَرْفٌ: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی نیست. مانند: مِنْ (از) عَلَيَّ (بر)؛ بنابراین:

«کلمه» یا معنای مستقلی دارد و یا ندارد؛ اگر نداشته باشد، «حرف» است و اگر داشته باشد، یا همراه با قید زمان است «فعل» و اگر قید زمان ندارد، «اسم» می‌باشد.

و چون «حَرْفٌ» تَصْرِيْفٌ نمی‌شود، از موضوع صرف خارج است و «اسم» هم برای اینکه بسیار کم صَرْفٌ می‌شود، آن را نادیده می‌گیرند.
 پس در حقیقت، «کلمه فعل» موضوع اصلی علم صرف قرار می‌گیرد.

واضع و مدقن علم صرف:

زمانی که علم نحو توسط "ابوالاسود دثلی" (از شاگردان و ارادتمندان حضرت علی کرم الله وجهه) نظم یافت، «علم صرف» بعنوان شاخه‌ای از آن شناخته می‌شد. ولی بعداً "معاذبن مسلم فراء" شاگرد «ابوالاسود دثلی» (متوفای سال ۱۸۷ هـ ق) علم صرف را بطور مستقل پی‌ریزی نمود. بعد از وی "ابوالحسن علی کسائی" (متوفای سال ۱۸۹ هـ ق) معروف به علامه کسائی آن را تکمیل کرد و نظم و ترتیب خاصی به آن داد.

مؤلف «میزان الصرف»:

همانطور که این کتاب از شهرت و امتیاز خاصی برخوردار است، به همان نسبت، مؤلف آن، مجهول الحال و ناشناخته است. و نظریه‌های مختلفی دربارهٔ مؤلف آن اظهار شده ولی قول راجح که اکثر علما و مورخان آن را تأیید نموده‌اند، اینست که مؤلف آن: "شیخ سراج الدین عثمان اودی رح" (متوفای سال ۷۵۸ هجری قمری) از دانشمندان و عارفان قرن هشتم هند می‌باشد.

کتابهای "الهدایه فی النحو" و "پنج گنج" در صرف از آثار همین مؤلف مرحوم هستند.

پرسش و تمرین

- ۱- قواعد زبان را به فارسی چه می‌گویند؟
- ۲- قواعد زبان را به عربی چه می‌گویند؟
- ۳- از مجموعه حروف چه بدست می‌آید؟
- ۴- از مجموعه کلمات چه بدست می‌آید؟
- ۵- از مجموعه جمله‌ها و عبارات چه بدست می‌آید؟
- ۶- حروف و الفبای عربی چند تا است؟
- ۷- حروف را به ترتیب نوشته و حفظ نمایید.
- ۸- علوم عربیه چند تا است؟ و مهمترین آنها کدامند؟
- ۹- علم صرف را تعریف کنید.
- ۱۰- فایده علم صرف را بیان نمایید.
- ۱۱- موضوع آن را بگوئید.
- ۱۲- انواع لفظ را بنویسید.
- ۱۳- کلمه را تعریف نموده انواع آن را با مثال بیان نمایید.
- ۱۴- وضع‌کنندگان و ترتیب دهندگان علم صرف را بنویسید.
- ۱۵- مؤلف میزان الصرف کیست؟

بنام خداوندی که یکی از بهترین نعمتهایش «زبان و کلام» را به انسان بخشید و به واسطه آن، نوع بشر را امتیازی بزرگ عنایت فرمود.
و با درود و سلام بر روان پاک بهترین انسانها و خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و بر آل و اصحاب وی مِنَ الْآنَ اِلَى يَوْمِ الْيَقِينِ.
امَّا بَعْدُ!

درس اول

تعریف فعل

فعل به کلمه‌ای گفته می‌شود که دلالت کند بر کردن یا شدن کاری در یکی از زمان‌های سه گانه (ماضی، حال، استقبال) مانند: «کَتَبَ» (نوشت) «يَكْتُبُ» (می‌نویسد) «أَكْتُبُ» (بنویس)

انواع فعل مُتَصَرِّفٌ به اعتبار زمان^(۱)

فعل به اعتبار زمان بر سه قسم است: «ماضی»، «حال»، «مستقبل».

۱- **فعل ماضی** آنست که بر زمان گذشته دلالت کند و آخرش مبنی بر فتحه باشد مانند: کَتَبَ - سَمِعَ - شَرَفَ - دَخَرَجَ. مگر در صورت وجود عارض و مانعی چون: ضَرَبُوا.

۲- **فعل حال** آنست که بر زمان حاضر دلالت کند.

۳- **فعل مستقبل** آنست که بر زمان آینده دلالت کند و حرف آخر آن مرفوع می‌شود، مانند: يَكْتُبُ - يَضْرِبُ - يَسْمَعُ - يُدْخِرُجُ. مگر در صورت وجود عارض و مانعی^(۲) چون: لَمْ يَضْرِبْ. صیغه‌های فعل حال

۱- فعل متصرف در اصطلاح علمای اهل صرف به فعلی گفته می‌شود که از مصدر آن، صیغه‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و غیره ساخته می‌شوند.

۲- و عارض در ماضی که آخرش مبنی بر فتحه نمی‌شود ضمیر متصل می‌باشد که در آن صورت یا مبنی بر سکون می‌شود چنانکه در ضَرَبْتُ، ضَرَبْتُمْ، ضَرَبْنَا یا مبنی بر ضم چنانکه در ضَرَبُوا.

و استقبال یکی هستند. (۱)

به حال و استقبال، فعل مضارع نیز می‌گویند.

پرسش و تمرین

- ۱- فعل را تعریف نمایید.
- ۲- فعل چند نوع دارد؟ انواع آن را نام ببرید.
- ۳- فعل ماضی را تعریف کنید.
- ۴- فعل مستقبل و حال را تعریف نمایید.
- ۵- در کلمات زیر نوع فعل را مشخص کنید:
سَمِعَ - يَضْرِبُ - كَتَبَ - يَفْتَحُ - يَحْسِبُ.
- ۶- دو مثال برای فعل ماضی و دو مثال برای مستقبل و دو مثال برای حال بنویسید.

و عارض در مضارع نواصب و جوازم می‌باشد که در آن صورت آخرش مجزوم یا منصوب می‌شود و فعل مضارع بدو صورت مرفوع می‌شود در پنج صیغه: يفعل، تفعّل، افعل، تفعّل مرفوع بحرکت رفع و در هفت صیغه، مرفوع با ثبات نون اعرابی می‌شود.
۱- «صیغه» در اصطلاح اهل صرف عبارت از هیئتی است که برای کلمه پس از ترتیب حروف با حرکتهای و ساکنها، حاصل می‌شود.

درس دوم

تعداد صیغه‌های فعل ماضی و مضارع

هر یکی از فعل ماضی و مضارع دارای چهارده صیغه بشرح ذیل می‌باشد:

* مذکر عایب: سه صیغه

* مؤنث غایب: سه صیغه

* مذکر مخاطب: سه صیغه

* مؤنث مخاطب: سه صیغه

* واحد متکلم: یک صیغه (برای مؤنث و مذکر که به آن

«مُتَكَلِّمٌ وَخَدَه» نیز گویند)

* جمع متکلم: یک صیغه (برای جمع مذکر و مؤنث و تشبیه که

به آن «مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ» نیز گویند)

صرف چهارده صیغه فعل ماضی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- ضَرَبَ	یک مرد زد	۸- ضَرَبْتُمَا	شما دو مرد زدید
۲- ضَرَبَا	دو مرد زدند	۹- ضَرَبْتُمْ	شما مردان زدید
۳- ضَرَبُوا	مردان زدند	۱۰- ضَرَبْتِ	تو یک زن زدی
۴- ضَرَبَتْ	یک زن زد	۱۱- ضَرَبْتُمَا	شما دو زن زدید
۵- ضَرَبْنَا	دو زن زدند	۱۲- ضَرَبْتُنَّ	شما زنان زدید
۶- ضَرَبْنَ	زنان زدند	۱۳- ضَرَبْتُ	زدم
۷- ضَرَبْتَ	تو یک مرد زدی	۱۴- ضَرَبْنَا	زدیم

* یاد آوری:

مفرد، تثنيه و جمع در صیغه‌ها تعیین نشده است. اساتید محترم ضمن بیان مفهوم آنها برای طلاب، در جدول فوق مشخص نمایند.

فعل معلوم و مجهول

هر یک از فعل ماضی و مضارع به دو قسم معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. «فعل معلوم» آنست که فاعلش معلوم باشد،

مانند: كَتَبَ عُمَرُ (عمر نوشت)

«فعل مجهول» آنست که فاعلش نامعلوم باشد، مانند:

كُتِبَ (نوشته شد)

طریقه ساخت فعل ماضی مجهول

فعل ماضی مجهول از معلوم آن، چنین ساخته می شود که حرف عین
الکلمه را کسره داده و حروف متحرک پیش از آن را، ضمّه می دهیم.
چنانکه:

ضَرَبَ ← ضَرِبَ. ضَرَبًا ← ضَرِبًا

صرف چهارده صیغه فعل ماضی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- ضَرِبَ	یک مرد زده شد	۸- ضَرِبْتُمَا	شما دو مرد زده شدید
۲- ضَرِبَا	دو مرد زده شدند	۹- ضَرِبْتُمْ	شما مردان زده شدید
۳- ضَرِبُوا	مردان زده شدند	۱۰- ضَرِبْتِ	تو یک زن زده شدی
۴- ضَرِبَتْ	یک زن زده شد	۱۱- ضَرِبْتُمَا	شما دو زن زده شدید
۵- ضَرِبْتَا	دو زن زده شدند	۱۲- ضَرِبْتِنَّ	شما زنان زده شدید
۶- ضَرِبْنَ	زنان زده شدند	۱۳- ضَرِبْتُ	زده شدم
۷- ضَرِبْتَ	تو یک مرد زده شدی	۱۴- ضَرِبْنَا	زده شدیم

پرسش و تمرین

- ۱- فعل ماضی دارای چند صیغه می باشد؟
- ۲- صیغه های شماره ۳، ۶، ۹، ۲ را بنویسید و ترجمه کنید.
- ۳- فعل مضارع چند صیغه دارد؟
- ۴- واحد متکلم مؤنث و مذکر چه فرقی با هم دارند؟
- ۵- شماره صیغه های زیر را نوشته نوع فعل را مشخص نمایید:
ضَرَبْتُ ضَرَبُوا ضَرَبْتَ ضَرَبْتِ
- ۶- صیغه شماره های زیر را نوشته ترجمه کنید:
۷- ۱۴- ۲- ۱۱-
- ۷- فعل معلوم را تعریف نمایید.
- ۸- فعل مجهول را تعریف نمایید.
- ۹- فعل مجهول چگونه ساخته می شود؟
- ۱۰- از صیغه های زیر معلوم و مجهول را مشخص کنید:
ذَهَبْتُ ضَرَبْتُ كَتَبْتُ كَتَبُوا ضَرَبْنَا
- ۱۱- صیغه های زیر را ترجمه کنید:
ضَرَبْتُ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُمْ كَتَبْتُ
- ۱۲- شماره هر یک از صیغه های ذیل را در کنار آنها بنویسید:
۵- ۹- ۱۳- ۱- ۴- ۸
- ضَرَبْتُ ضَرَبْتِ ضَرَبْتُ ضَرَبْتُ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُمْ
- ۱۳- صیغه های زیر را به عربی بنویسید:
شما زنان زدید: زده شدم: دو زن زدند: زنان زده شدند

درس سوم

فعل مثبت و منفی

فعل از جهتی به دو قسم تقسیم می‌شود: مثبت و منفی.

۱- فعل مثبت آنست که از آن، کردن یا شدن کاری مفهوم شود. مانند:

«کَتَبَ» (آن مرد نوشت در زمان گذشته) «يَكْتُبُ» (آن مرد می‌نویسد در زمان حال یا آینده)

۲- فعل منفی آنست که از آن، نکردن یا نشدن کاری مفهوم شود.

مانند «مَا كَتَبَ» (آن مرد ننوشت، در زمان گذشته) «لَا يَكْتُبُ» (آن مرد نمی‌نویسد، در زمان حال یا آینده)

فعل ماضی منفی

ماضی منفی از ماضی مثبت اینگونه ساخته می‌شود که حرف «مَا»

نافیه در اول آن آورده می‌شود و این حرف، هیچگونه تغییری در لفظ

فعل نمی‌آورد. البته در معنای فعل تغییر ایجاد می‌کند، یعنی: فعل مثبت

را، منفی می‌کند.

صرف فعل ماضی منفی معلوم

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
شما دو مرد نزد دید	۸- مَاضِرْبُتُمَا	آن مرد نزد	۱- مَاضِرَبَ
شما مردان نزد دید	۹- مَاضِرْبُتُمْ	آن دو مرد نزدند	۲- مَاضِرَبَا
تو یک زن نزدی	۱۰- مَاضِرْبِتِ	آن مردان نزدند	۳- مَاضِرْبُوا
شما دو زن نزد دید	۱۱- مَاضِرْبُتُمَا	آن زن نزد	۴- مَاضِرَبْتُ
شما زنان نزد دید	۱۲- مَاضِرْبِتُنَّ	آن دو زن نزدند	۵- مَاضِرَبْتَا
نزدیم (واحد متکلم)	۱۳- مَاضِرْبْتُ	آن زنان نزدند	۶- مَاضِرَبْنَ
نزدیم (متکلم مع الغیر)	۱۴- مَاضِرْبُنَا	تو یک مرد نزدی	۷- مَاضِرَبْتَ

صرف فعل ماضی منفی مجهول

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
شما دو مرد زده نشدید	۸- مَاضِرْبُتُمَا	آن یک مرد زده نشد	۱- مَاضِرَبَ
شما مردان زده نشدید	۹- مَاضِرْبُتُمْ	آن دو مرد زده نشدند	۲- مَاضِرَبَا
تو یک زن زده نشدی	۱۰- مَاضِرْبِتِ	آن مردان زده نشدند	۳- مَاضِرْبُوا
شما دو زن زده نشدید	۱۱- مَاضِرْبُتُمَا	آن زن زده نشد	۴- مَاضِرَبْتُ
شما زنان زده نشدید	۱۲- مَاضِرْبِتُنَّ	آن دو زن زده نشدند	۵- مَاضِرَبْتَا
زده نشدم	۱۳- مَاضِرْبْتُ	آن زنان زده نشدند	۶- مَاضِرَبْنَ
زده نشدیم	۱۴- مَاضِرْبُنَا	تو یک مرد زده نشدی	۷- مَاضِرَبْتَ

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مثبت و منفی را تعریف نمایید
- ۲- دو مثال برای فعل مثبت و دو مثال برای فعل منفی بنویسید.
- ۳- از فعل‌های زیر مثبت و منفی را مشخص نمایید.
مَکْتَبَ - مَکْتَبْتُ - ذَهَبُوا - کَتَبْتُ - لَا یَکْتُوبُونَ - لَا یَذْهَبُ.
- نیز فعلهای ماضی را از صیغه‌های بالا مشخص کنید.
- ۴- فعل ماضی چگونه منفی می‌شود؟
- ۵- حرف نفی در ظاهر فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟
- ۶- حرف نفی در معنای فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟
- ۷- صیغه‌های واحد مؤنث مخاطب، تشبیه مذکر غائب و جمع مؤنث مخاطب معلوم و مجهول را نوشته، ترجمه کنید.
- ۸- هر یک از این شماره‌ها را در کنار صیغه مربوط به آن قرار دهید:

۱۳- ۲- ۱۱- ۴- ۷- ۱۰- ۸

مَاضَرَبْتُ	مَاضَرَبْتُ	مَاضَرَبَا	مَاضَرَبْتُمَا
	مَاضَرَبْتُمَا	مَاضَرَبْتِ	مَاضَرَبْتِ

درس چهارم

اقسام فعل ماضی

فعل ماضی به اعتباری بر شش قسم است:

۱- ماضی مطلق: آنست که بدون هیچگونه قیدی بر زمان گذشته

دلالت کند مانند: «ضَرَبَ» (یک مرد زد در زمان گذشته)

۲- ماضی قریب: آنست که بر انجام فعلی در زمان گذشته نزدیک به

زمان حال، دلالت کند و هرگاه حرف «قَدْ» به اول ماضی مطلق بیاوریم،

ماضی قریب درست می شود مانند: «قَدْ ضَرَبَ» (یک مرد زده است) «قَدْ

ضَرَبْتُ» (زده ام)

۳- ماضی بعید: آنست که بر انجام فعلی در زمان گذشته دور از زمان

حال، دلالت کند و هرگاه لفظ «كَانَ» را به اول ماضی مطلق بیاوریم، آن را

بعید می سازد. مانند:

«كَانَ ضَرَبَ» (یک مرد زده بود) «كُنْتُ ضَرَبْتُ» (زده بودم)

۴- ماضی استمراری: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته، بطور

دوام و همیشگی دلالت کند. و هرگاه لفظ «كَانَ» را به اول فعل مضارع

بیاوریم، «ماضی استمراری» درست می شود. مانند: «كَانَ يَذْهَبُ» (آن

مرد می رفت) «كَانَ يَقْرَأُ» (آن مرد می خواند) «كُنْتُ أَكْتُبُ»

(من می نوشتم)

۵- ماضی احتمالی: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته بطور شک و تردید دلالت کند، و با اضافه کردن لفظ «لَعَلَّمَا» در اوّل ماضی مطلق، «ماضی احتمالی» درست می شود، مانند: «لَعَلَّمَا ذَهَبَ» (شاید آن مرد رفته باشد)، «لَعَلَّمَا ذَهَبْتُ» (شاید رفته باشم)

۶- ماضی تمنائی: آنست که بر آرزو و خواهش صدور فعل در زمان گذشته، دلالت کند و با اضافه کردن لفظ «لَيْتَمَا» در آغاز ماضی مطلق، «ماضی تمنائی» درست خواهد شد، مانند: «لَيْتَمَا ضَرَبَ» (کاش آن مرد می زد)، «لَيْتَمَا قَرَأْتُ» (کاش درس می خواندم).

هر یکی از اقسام فعل ماضی دارای چهارده صیغه معروف و مجهول می باشد که در نتیجه، مجموع صیغه های فعل ماضی «سیصد و سی و شش» (۳۳۶) می باشند.

پرسش و تمرین

۱- فعل ماضی دارای چند قسم می باشد؟
 ۲- «ماضی قریب» و «بعید» را تعریف نموده، روش درست کردن آن را بنویسید.

۳- «ماضی استمراری» کدام است و چگونه درست می شود؟
 ۴- «ماضی تمنائی» و «ماضی احتمالی» چه فرقی با هم دارند؟
 ۵- در فعل های زیر نوع ماضی را مشخص کنید:

كَانَ يَهْبُ	لَيْتَمَا كَتَبَ	كَانَ يَقْرَأُ
كُنْتُ أَسْمَعُ	قَدْ ضَرَبَ	

۶- سه صیغه مذکر غایب «ماضی احتمالی» و سه صیغه مؤنث مخاطب «ماضی تمنائی» را نوشته ترجمه کنید.

۷- صیغه واحد متکلم و جمع متکلم «ماضی بعید» و «ماضی استمراری» را نوشته ترجمه کنید.

۸- چهارده صیغه «ماضی احتمالی» مجهول و چهارده صیغه «ماضی استمراری» معلوم را در دفترهای خود بنویسید.

۹- نوع صیغه های زیر را مشخص کرده ترجمه آنها را بنویسید.

لَيْتَمَا ضُرِبْتُ - كَانَ يُضْرَبُ - لَعَلَّمَا ذَهَبْتُ - كَانَا يَقْرَأَانِ - قَدْ قَرَأْتُ

۱۰- نوشتن و تصریف کلیه صیغه های معروف و مجهول اقسام فعل ماضی با ترجمه آنها به طلباب عزیز توصیه می شود و اساتید محترم نیز تلاش و دقت بیشتری بعمل آورند.

درس پنجم

فعل مضارع و چگونگی ساخت آن

فعل مضارع از فعل ماضی بشرح زیر ساخته می شود:

الف - یکی از علامتهای چهارگانه مضارع را (حروف «آتین» ا - ت -

ی - ن) در اول ماضی با تفصیل ذیل اضافه می کنیم: «الف» را در اول

واحد متکلم «تا» را در اول هشت صیغه زیر:

۱- واحد مؤنث غایب ۵- جمع مذکر حاضر

۲- تثنیه مؤنث غایب ۶- واحد مؤنث حاضر

۳- واحد مذکر حاضر ۷- تثنیه مؤنث حاضر

۴- تثنیه مذکر حاضر ۸- جمع مؤنث حاضر

«یاء» را در اول چهار صیغه زیر:

۱- واحد مذکر غایب ۳- جمع مذکر غایب

۲- تثنیه مذکر غایب ۴- جمع مؤنث غایب

«ن» را در اول صیغه جمع متکلم.

ب- حرف اول (فاء کلمه) را ساکن می کنیم.

ج- حرف آخر (لام کلمه) را در پنج صیغه زیر ضمه می دهیم:

۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر

۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم.

۵- در آخر هفت صیغه ذیل به جای اعراب (حرکت) نون اعرابی اضافه می‌کنیم: (۱)

- | | |
|--------------------|--------------------|
| ۱- تثنیه مذکر غایب | ۲- تثنیه مذکر حاضر |
| ۳- تثنیه مؤنث غایب | ۴- تثنیه مؤنث حاضر |
| ۵- جمع مذکر غایب | ۶- جمع مذکر حاضر |
| ۷- واحد مؤنث حاضر. | |

نون اعرابی چهار صیغه اول مکسور و سه صیغه آخر مفتوح می‌شود.

۵- صیغه‌های جمع مؤنث (غایب و حاضر) مانند فعل ماضی در آخر خود، نون تأنیث دارند. «لام کلمه» اینها ساکن می‌شود.

فعل مضارع مجهول مثبت

روش ساختن فعل مضارع مجهول چنین است که حرف اول مضارع معلوم را ضمه و حرف پیش از حرف آخر را که در مقابل «عین کلمه» قرار دارد، فتحه می‌دهیم. مانند:

يَضْرَبُ ← يَضْرَبُ (یک مرد زده خواهد شد)

۱- نون اعرابی: نونی است که عوض اعراب رفع در آخر هفت صیغه آورده می‌شود و بهمین سبب در صورت منصوب یا مجزوم بودن فعل مضارع نون اعرابی از این هفت صیغه ساقط می‌شود.

صرف فعل مضارع معلوم مثبت

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- یَضْرِبُ	آن یک مرد می زند	۸- تَضْرِبَانِ	شما دو مرد می زنید
۲- یَضْرِبَانِ	آن دو مرد می زنند	۹- تَضْرِبُونِ	شما همه مردان می زنید
۳- یَضْرِبُونِ	آن همه مردان می زنند	۱۰- تَضْرِبِينَ	تو یک زن می زنی
۴- تَضْرِبُ	آن یک زن می زند	۱۱- تَضْرِبَانِ	شما دو زن می زنید
۵- تَضْرِبَانِ	آن دو زن می زنند	۱۲- تَضْرِبْنَ	شما همه زنان می زنید
۶- یَضْرِبْنَ	آن همه زنان می زنند	۱۳- أَضْرِبُ	می زنم (واحد متکلم)
۷- تَضْرِبُ	تو یک مرد می زنی	۱۴- نَضْرِبُ	می زنیم (جمع متکلم)

صرف فعل مجهول مثبت

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- یُضْرَبُ	آن مرد زده خواهد شد	۸- تُضْرَبَانِ	شما دو مرد زده خواهید شد
۲- یُضْرَبَانِ	آن دو مرد زده خواهند شد	۹- تُضْرَبُونِ	شما همه مردان زده خواهید شد
۳- یُضْرَبُونِ	آن مردان زده خواهند شد	۱۰- تُضْرَبِينَ	تو یک زن زده خواهی شد
۴- تُضْرَبُ	آن یک زن زده خواهد شد	۱۱- تُضْرَبَانِ	شما دو زن زده خواهید شد
۵- تُضْرَبَانِ	آن دو زن زده خواهند شد	۱۲- تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده خواهید شد
۶- یُضْرَبْنَ	آن همه زنان زده خواهند شد	۱۳- أَضْرَبُ	زده خواهم شد (واحد متکلم)
۷- تُضْرَبُ	تو یک مرد زده خواهی شد	۱۴- نَضْرَبُ	زده خواهیم شد (جمع متکلم)

پرسش و تمرین

- ۱- علامتهای مضارع را نام ببرید.
 - ۲- «فاء کلمه» در مضارع چه حرکتی دارد؟
 - ۳- «لام کلمه» در کدام کلمه‌ها مضموم می‌شود؟
 - ۴- حرف «یاء» بر چند صیغه آورده می‌شود؟
 - ۵- «نون اعرابی» بر چند صیغه آورده می‌شود و محل آن کجاست؟
 - ۶- چهار صیغه بنویسید که در اول آنها حرف «تاء» باشد.
 - ۷- در صیغه‌های زیر نون اعرابی و نون جمع مؤنث را مشخص کنید.
يَضْرِبَانِ تَضْرِبْنَ تَضْرِبُونَ تَضْرِبِينَ يَضْرِبْنَ
 - ۸- فعل مضارع معلوم از «يَكْتُبُ» را صرف نموده در دفتر خویش با ترجمه آن بنویسید.
 - ۹- فعل مضارع مجهول چگونه درست می‌شود؟
 - ۱۰- کدام حرف از مضارع مجهول فتحه داده می‌شود؟
 - ۱۱- صیغه‌های مؤنث مضارع مجهول را صرف نموده، با ترجمه آن در دفتر خویش بنویسید.
 - ۱۲- هر یک از این شماره‌ها را در کنار فعل آن قرار دهید:
۹- ۴- ۲- ۷- ۱۳- ۱۰
- تَضْرِبِينَ تَضْرِبُونَ تَضْرِبُ أَضْرِبُ

يَضْرِبَانِ تَضْرِبُ

۱۳- صیغه‌های شماره‌های زیر از مضارع مجهول را بنویسید:

۸- ۱۴- ۶- ۳-

۵- ۱۱-

۱۴- نون اعرابی، نون تثنیه و نون جمع چه فرقی با یکدیگر دارند؟

درس ششم

فعل مضارع منفی

فعل مضارع به دو گونه به شرح زیر منفی می شود:

۱- حرف «لَا» نافیهِ را در اول آن بیاوریم مانند: «لَا يَكْتُبُ» (آن مرد نمی نویسد) حرف «لَا» در لفظ فعل هیچ تغییری ایجاد نمی کند فقط معنای آن را تغییر می دهد.

۲- حرف «لَنْ» تأکیدیهِ را در اول آن بیاوریم مانند: «لَنْ يَكْتُبَ» (هرگز نمی نویسد).

حرف «لَنْ» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می کند.

این حرف پس از آمدن بر فعل مضارع، آن را به معنای «مستقبل منفی» کرده و به شرح زیر در لفظ عمل می کند:

الف- در پنج صیغه، آخر آنها را نصب می دهد:

۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر ۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم.

ب- نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می کند:

۱- تثنیه مذکر غایب ۲- تثنیه مؤنث غایب ۳- تثنیه مذکر حاضر ۴- تثنیه مؤنث حاضر ۵- جمع مذکر غایب ۶- جمع مذکر حاضر ۷- واحد مؤنث حاضر.

در دو صیغه جمع مؤنث غایب و جمع مؤنث حاضر هیچگونه تغییری در لفظ بوجود نمی‌آورد. (۱)

صرف مضارع منفی معلوم با «لَا» نافی

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يَضْرِبُ	آن یک مرد نخواهد زد	۸- لَا تَضْرِبَانِ	شما دو مرد نخواهید زد
۲- لَا يَضْرِبَانِ	آن دو مرد نخواهند زد	۹- لَا تَضْرِبُونَّ	شما همه مردان نخواهید زد
۳- لَا يَضْرِبُونَّ	آن همه مردان نخواهند زد	۱۰- لَا تَضْرِبِينَ	تو یک زن نخواهی زد
۴- لَا تَضْرِبُ	آن زن نخواهد زد	۱۱- لَا تَضْرِبَانِ	شما دو زن نخواهید زد
۵- لَا تَضْرِبَانِ	آن دو زن نخواهند زد	۱۲- لَا تَضْرِبْنَ	شما همه زنان نخواهید زد
۶- لَا يَضْرِبْنَ	آن زنان نخواهند زد	۱۳- لَا أَضْرِبُ	نخواهم زد
۷- لَا تَضْرِبُ	تو یک مرد نخواهی زد	۱۴- لَا نَضْرِبُ	نخواهیم زد

۱- باید دانست که هیچ عاملی در لفظ این دو صیغه تغییری ایجاد نمی‌کند. زیرا که نون جمع مؤنث مبنی است چون ضمیر بارز است.

صرف مضارع منفی مجهول با «لَا» نافیہ

صیغہ	ترجمہ	صیغہ	ترجمہ
۱- لَا يُضْرَبُ	آن مرد زده نخواهد شد	۸- لَا تُضْرَبَانِ	شما دو مرد زده نخواهید شد
۲- لَا يُضْرَبَانِ	آن دو مرد زده نخواهند شد	۹- لَا تُضْرَبُونَ	شما همه مردان زده نخواهید شد
۳- لَا يُضْرَبُونَ	آن همه مردان زده نخواهند شد	۱۰- لَا تُضْرَبِينَ	تو یک زن زده نخواهی شد
۴- لَا تُضْرَبُ	آن زن زده نخواهد شد	۱۱- لَا تُضْرَبَانِ	شما دو زن زده نخواهید شد
۵- لَا تُضْرَبَانِ	آن دو زن زده نخواهند شد	۱۲- لَا تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نخواهید شد
۶- لَا يُضْرَبْنَ	آن زنان زده نخواهند شد	۱۳- لَا أُضْرَبُ	زده نخواهم شد
۷- لَا تُضْرَبُ	تو یک مرد زده نخواهی شد	۱۴- لَا نُضْرَبُ	زده نخواهیم شد

صرف فعل مستقبل معلوم منفی با «لَنْ» تاکیدیہ

صیغہ	ترجمہ	صیغہ	ترجمہ
۱- لَنْ يُضْرَبَ	آن یک مرد هرگز نخواهد زد	۸- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو مرد هرگز نخواهید زد
۲- لَنْ يُضْرَبَا	آن دو مرد هرگز نخواهند زد	۹- لَنْ تُضْرَبُوا	شما همه مردان هرگز نخواهید زد
۳- لَنْ يُضْرَبُوا	آن همه مردان هرگز نخواهند زد	۱۰- لَنْ تُضْرَبِي	تو یک زن هرگز نخواهی زد
۴- لَنْ تُضْرَبَ	آن یک زن هرگز نخواهد زد	۱۱- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو زن هرگز نخواهید زد

۵- لَنْ تُضْرِبَا	آن دوزن هرگز نخواهند زد	۱۲- لَنْ تُضْرِبِينَ	شما همه زنان هرگز نخواهید زد
۶- لَنْ يُضْرِبَنَّ	آن همه زنان هرگز نخواهند زد	۱۳- لَنْ أُضْرَبَ	هرگز نخواهم زد
۷- لَنْ تُضْرِبَ	تو یک مرد هرگز نخواهی زد	۱۴- لَنْ نُضْرَبَ	هرگز نخواهیم زد

صرف فعل مستقبل مجهول منفی با «لن» تاکیدیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَنْ يُضْرَبَ	آن یک مرد هرگز زده نخواهد شد	۸- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو مرد هرگز زده نخواهید شد
۲- لَنْ يُضْرَبَا	آن دو مرد هرگز زده نخواهند شد	۹- لَنْ تُضْرَبُوا	آن همه مردان هرگز زده نخواهید شد
۳- لَنْ يُضْرَبُوا	آن همه مردان هرگز زده نخواهند شد	۱۰- لَنْ تُضْرَبِي	تو یک زن هرگز زده نخواهی شد
۴- لَنْ تُضْرَبَ	آن یک زن هرگز زده نخواهد شد	۱۱- لَنْ تُضْرَبْنَا	ما دوزن هرگز زده نخواهید شد
۵- لَنْ تُضْرَبَا	آن دوزن هرگز زده نخواهند شد	۱۲- لَنْ تُضْرِبِينَ	شما همه زنان هرگز نخواهید زد
۶- لَنْ يُضْرِبَنَّ	آن همه زنان هرگز زده نخواهند شد	۱۳- لَنْ أُضْرَبَ	هرگز زده نخواهم شد
۷- لَنْ تُضْرِبَ	تو یک مرد هرگز زده نخواهی شد	۱۴- لَنْ نُضْرَبَ	هرگز زده نخواهیم شد

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مضارع «مثبت» و «منفی» را تعریف کنید.
 - ۲- فعل مضارع مثبت چگونه منفی می شود؟
 - ۳- آیا حرف «لا» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می کند؟
 - ۴- سه صیغه فعل مضارع مثبت نوشته آنها را منفی و ترجمه کنید.
 - ۵- فعل مضارع معلوم و مجهول منفی را با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.
 - ۶- حرف «لَنْ» چه تغییری در معنای فعل مضارع بوجود می آورد؟
 - ۷- «لَنْ» در لفظ فعل مضارع تغییر ایجاد می کند یا خیر؟
 - ۸- بوسیله «لَنْ» نون اعرابی چند صیغه ساقط می شود؟ شماره‌های آنها را بنویسید.
 - ۹- حرف «لَنْ» در کدام صیغه‌ها عمل لفظی نمی کند؟
 - ۱۰- سه صیغه که «لَنْ» آنها را نصب داده و چهار صیغه که نون اعرابی آنها ساقط شده، بنویسید.
 - ۱۱- از کلمات زیر صیغه‌هایی را که «لَنْ» هیچگونه عمل لفظی در آنها نکرده، مشخص نمایید.
- لَنْ يَكْتُبَا - لَنْ يَكْتُبَنَّ - لَنْ يَكْتُبُوا - لَنْ تَكْتُبَا - لَنْ تَكْتُبَنَّ
- ۱۲- صیغه‌های شماره‌های ذیل را با ترجمه آنها بنویسید.
- | | | |
|-----|-----|----|
| -۱۲ | -۷ | -۳ |
| -۴ | -۱۳ | -۹ |
- ۱۳- فعل مضارع منفی معلوم مؤکد با «لَنْ» از «يَنْصُرُ» را صرف کرده و در دفتر خود بنویسید.

درس هفتم

فعل جَعَدَ منفی با «لَمْ» جازمه

اگر حرف «لَمْ» جازمه را بر فعل مضارع بیاوریم آن را منفی می‌کند و در اصطلاح علم صرف آن را «فعل جَعَدَ» می‌نامند.

حرف «لَمْ» جازمه در فعل مضارع بشرح ذیل عمل می‌کند:

۱- عمل لفظی:

الف- حرف آخر پنج صیغه را جزم می‌دهد در صورتی که حرف

علت نباشد، مانند: «لَمْ يَضْرِبْ» و آن پنج صیغه عبارتند از:

۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر

۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم.

ب- اگر حرف آخر آن، حرف علت باشد، آن را ساقط می‌کند مانند:

لَمْ يَدْعُ، لَمْ يَزِم، لَمْ يَخْشَ. حرف علت سه تا هستند: «واو، الف، ی»

ج- نون اعرابی را از هفت صیغه ساقط می‌کند، مانند: «لَمْ يَضْرِبَا» و

آن هفت صیغه عبارتند از:

۱- تثنیه مذکر غایب ۲- تثنیه مؤنث غایب ۳- تثنیه مذکر حاضر

۴- تثنیه مؤنث حاضر ۵- جمع مذکر غایب ۶- جمع مذکر حاضر

۷- واحد مؤنث حاضر.

۲- عمل معنوی:

۵- فعل مستقبل را از نظر معنی به ماضی منفی تبدیل می‌کند و در جمع مؤنث غایب و حاضر هیچگونه عمل لفظی نمی‌کند.

صرف فعل جحد منفی معلوم با «لَمْ» جازمه

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
شما دو مرد نزده‌اید	۸- لَمْ تَضْرِبَا	آن یک مرد نزده‌است	۱- لَمْ يَضْرِبْ
شما همه مردان نزده‌اید	۹- لَمْ تَضْرِبُوا	آن دو مرد نزده‌اند	۲- لَمْ يَضْرِبَا
تو یک زن نزده‌ای	۱۰- لَمْ تَضْرِبِي	آن همه مردان نزده‌اند	۳- لَمْ يَضْرِبُوا
شما دو زن نزده‌اید	۱۱- لَمْ تَضْرِبَا	آن یک زن نزده‌است	۴- لَمْ تَضْرِبْ
شما همه زنان نزده‌اید	۱۲- لَمْ تَضْرِبْنَ	آن دو زن نزده‌اند	۵- لَمْ تَضْرِبَا
نزده‌ام	۱۳- لَمْ أَضْرِبْ	آن همه زنان نزده‌اند	۶- لَمْ يَضْرِبْنَ
نزده‌ایم	۱۴- لَمْ نَضْرِبْ	تو یک مرد نزده‌ای	۷- لَمْ تَضْرِبْ

صرف فعل جحد منفی مجهول با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَمْ يُضْرَبْ	آن یک مرد زده نشده است	۸- لَمْ تُضْرَبَا	شما دو مرد زده نشده اید
۲- لَمْ يُضْرَبَا	آن دو مرد زده نشده اند	۹- لَمْ تُضْرَبُوا	شما همه مردان زده نشده اید
۳- لَمْ يُضْرَبُوا	آن همه مردان زده نشده اند	۱۰- لَمْ تُضْرَبِي	تو یک زن زده نشده ای
۴- لَمْ تُضْرَبْ	آن یک زن زده نشده است	۱۱- لَمْ تُضْرَبَا	شما دو زن زده نشده اید
۵- لَمْ تُضْرَبَا	آن دو زن زده نشده اند	۱۲- لَمْ تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نشده اید
۶- لَمْ يُضْرَبْنَ	آن همه زنان زده نشده اند	۱۳- لَمْ أُضْرَبْ	زده نشده ام
۷- لَمْ تُضْرَبْ	تو یک مرد زده نشده ای	۱۴- لَمْ نُضْرَبْ	زده نشده ایم

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مضارع را که با «لَمْ» نفی شده چه می نامند؟
- ۲- «لَمْ» جازمه در فعل مضارع چه عملی انجام می دهد؟
- ۳- فعل مضارع بوسیله «لَمْ» به کدام فعل منفی تبدیل می شود؟
- ۴- اگر در آخر صیغه های فعل مضارع، حرف علت باشد، «لَمْ» چه عملی در آنها انجام می دهد؟
- ۵- چهار صیغه بنویسید که «لَمْ» هیچگونه عملی در آنها نکرده.
- ۶- چهار صیغه بنویسید که «لَمْ» نون اعرابی آنها را ساقط کرده است.
- ۷- فعل جَعَد معلوم را صرف نموده با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.

۸- «لَمْ» در صیغه های زیر چه عملی انجام داده:

لَمْ تَضْرِبِي	لَمْ يَدْعُوا	لَمْ تَضْرِبَا
لَمْ يُضْرَبَنَّ	لَمْ تُضْرَبَنَّ	لَمْ أَخْشَ

درس هشتم

فعل مستقبل مؤکد بالام و نون تأکید

اگر بخواهیم فعل مستقبلی را تأکید کنیم، در اوّل آن، «لام مفتوحه» و در آخر آن، حرف «نون» می آوریم، و آن دو را، «لام تأکید» و «نون تأکید» می نامند.

نون تأکید بر دو قسم است:

- ۱- نون ثقیله: به نون مشدّدی گفته می شود که در واقع، دو نون هستند که در یکدیگر ادغام شده اند مانند: «لَيَضْرِبَنَّ ← لَيَضْرِبَنَّ»
- ۲- نون خفیفه: به نون ساکنی گفته می شود که در آخر فعل مستقبل می آید مانند: «لَيَضْرِبَنَّ»

در صورت وجود «نون تأکید ثقیله» در فعل مضارع، تغییرات ذیل در آن پیدا می شود:

الف- نون تأکید ثقیله در آخر هر چهارده صیغه می آید و حرف پیش از آن در این پنج محل مفتوح می شود:

- ۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر
- ۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم
- ب- معنای آن را مؤکد و محکم می کند.

ج- در این شش صیغه پیش از «نون ثقیله»، الف می آید: ۱- تشنیه

مذکر غایب ۲- تثنیه مؤنث غایب ۳- تثنیه مذکر حاضر ۴- تثنیه مؤنث حاضر ۵- جمع مؤنث غایب ۶- جمع مؤنث حاضر

۵- در دو صیغه جمع مذکر حاضر و جمع مذکر غایب، «واو» جمع حذف می شود و ماقبل واو همچنان مضموم می ماند تا بر حذف واو دلالت کند. مانند:

«لَيَضْرِبَنَّ»، «لَتَضْرِبَنَّ» و در صیغه واحد مؤنث مخاطب، «یاء» حذف می شود و ماقبل آن مکسور می ماند تا بر حذف یاء دلالت نماید.

۵- «نون ثقیله» در شش صیغه مکسور می شود و آنها صیغه‌هایی هستند که پیش از نون، «الف» می آید.

و در هشت صیغه دیگر، مفتوح می شود.

۹- «نون خفیفه» بر شش صیغه‌ای که پیش از نون، الف می آید، وارد نمی شود. زیرا که در اینصورت «اجتماع ساکنین» می شود (و آن ممنوع است) و بر بقیه صیغه‌ها وارد می شود.

همچنین «نون اعرابی» با «نون تأکید» جمع نمی شود.

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکد بالام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَيَضْرِبَنَّ	باید حتماً یک مرد بزند	۸- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً شما دو مرد بزنید
۲- لَيَضْرِبَانَّ	باید حتماً دو مرد بزنند	۹- لَتَضْرِبُنَّ	باید حتماً شما مردان بزنید
۳- لَيَضْرِبُنَّ	باید حتماً همه مردان بزنند	۱۰- لَتَضْرِبِنَّ	باید حتماً تو یک زن بزنی
۴- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً یک زن بزند	۱۱- لَتَضْرِبَانَّ	باید حتماً شما دو زن بزنید
۵- لَتَضْرِبَانَّ	باید حتماً دو زن بزنند	۱۲- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً شما همه زنان بزنید
۶- لَيَضْرِبَنَّ	باید حتماً همه زنان بزنند	۱۳- لَأَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنم
۷- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد بزنی	۱۴- لَنَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنیم

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکد بالام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۸- لَتُضْرَبَانَّ	باید حتماً شما دو مرد زده شوید
۲- لَيُضْرَبَانَّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۹- لَتُضْرَبِينَ	باید حتماً شما مردان زده شوید
۳- لَيُضْرَبِينَ	باید حتماً همه آن مردان زده شوند	۱۰- لَتُضْرَبِينَ	باید حتماً تو یک زن زده شوی
۴- لَتُضْرَبِينَ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۱۱- لَتُضْرَبَانَّ	باید حتماً شما دو زن زده شوید
۵- لَتُضْرَبَانَّ	باید حتماً آن دو زن زده شوند	۱۲- لَتُضْرَبِنَانَّ	باید حتماً شما همه زنان زده شوید
۶- لَيُضْرَبِنَانَّ	باید حتماً آن همه زنان زده شوند	۱۳- لَأُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۷- لَتُضْرَبِينَ	باید حتماً تو یک مرد زده شوی	۱۴- لَتُضْرَبِينَ	باید حتماً زده شویم

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکد بالام و نون تأکید خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته آن یک مرد بزند	۱- لَيَضْرِبَنَّ
باید البته آن همه مردان بزنند	۲- لَيَضْرِبُنَّ
باید البته آن یک زن بزند	۳- لَتَضْرِبَنَّ
باید البته تو یک مرد بزنی	۴- لَتَضْرِبُنَّ
باید البته شما همه مردان بزنید	۵- لَتَضْرِبُنَّ
باید البته تو یک زن بزنی	۶- لَتَضْرِبَنَّ
باید البته بزنم	۷- لَأَضْرِبَنَّ
باید البته بزنیم	۸- لَنَضْرِبَنَّ

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکد بالام و نون تأکید خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته آن یک مرد زده شود	۱- لَيُضْرَبُنْ
باید البته آن همه مردان زده شوند	۲- لَيُضْرَبُنْ
باید البته آن یک زن زده شود	۳- لَتُضْرَبِنْ
باید البته تو یک مرد زده شوی	۴- لَتُضْرَبِنْ
باید البته شما همه مردان زده شوید	۵- لَتُضْرَبُنْ
باید البته تو یک زن زده شوی	۶- لَتُضْرَبِنْ
باید البته زده شوم	۷- لَأُضْرَبَنَّ
باید البته زده شویم	۸- لَنُضْرَبَنَّ

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مستقبل چگونه مؤکد می شود؟
- ۲- نون تأکید خفیفه و ثقیله چه فرقی با هم دارند؟
- ۳- سه مورد از عمل «نون تأکید ثقیله» را در فعل مستقبل بگوئید.
- ۴- نون خفیفه بر چند صیغه وارد نمی شود؟
- ۵- نون اعرابی با کدام نون جمع نمی شود؟
- ۶- نون تأکید و نون اعرابی چه فرقی با هم دارند؟
- ۷- سه صیغه بنویسید که نون ثقیله در آنها مکسور باشد.
- ۸- چهار صیغه را نخست با نون ثقیله و سپس با نون خفیفه تأکید نمائید.
- ۹- صیغه‌هایی را که حرف ماقبل نون ثقیله مفتوح می شود بنویسید.
- ۱۰- «نون»هایی که تا حال خوانده‌اید نام برده فرق آنان را توضیح دهید.

درس نهم

روش ساختن فعل امر

فعل امر از فعل مضارع ساخته می شود، هر صیغه امر از همان صیغه مضارع. مثلاً؛ غایب از غایب، مخاطب از مخاطب، متکلم از متکلم، معلوم از معلوم و مجهول از مجهول ساخته می شود.

روش ساخت امر حاضر معلوم بشرح زیر است:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.
- ۲- اگر حرف بعد از علامت مضارع متحرک بماند، آخر واحد مذکر را ساکن و از بقیه، نون اعرابی را حذف می کنیم.
مانند: از «تَعِدُّ» ← عِدُّ ← عِدْ
و از «تَعِدَانِ» ← عِدَانِ ← عِدَا
- ۳- حرف آخر را در صورتی ساکن می کنیم که حرف عِلّت نباشد اگر حرف عِلّت باشد، آن را حذف می کنیم مانند:
از «تَقِيْ» ← قِيْ ← قِ.

- ۴- اگر حرف بعد از علامت مضارع ساکن باشد، در اوّل آن، همزه وصل اضافه می کنیم. با این تفصیل که چنانچه «عين الفعل» مضارع مفتوح یا مكسور باشد، همزه وصل را كسره می دهیم و چنانچه مضموم

باشد، همزه را ضمه می دهیم مانند:

- فتحة عين: از «تَفْتَحُ» ← فَتَحُ ← اِفْتَحُ

- كسره عين: از «تَضْرِبُ» ← ضَرِبُ ← اِضْرِبُ

- ضمه عين: از «تَنْصُرُ» ← نَصُرُ ← اَنْصُرُ

در این قانون هم، سکون حرف آخر امر، مشروط به نبودن حرف علت است و اگر حرف علت باشد، حذف می شود مانند:

- فتحة عين با حذف حرف علت: از تَخْشِيْ ← خَشْ ← اِخْشَ

- كسره عين با حذف حرف علت: از تَزِمِيْ ← زِمِ ← اِزِمِ

- ضمه عين با حذف حرف علت: از تَدْعُوْ ← دَعُ ← اُدْعُ

روش ساختن امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول

۱- در اول هر صیغه «لام امر مکسور» اضافه می کنیم.

۲- صیغه‌هایی که نون اعرابی داشته باشند، آن را حذف می کنیم و صیغه‌هایی که نون اعرابی ندارند، حرف آخر آنها را ساکن می کنیم.

بشرط اینکه حرف آخر، حرف علت نباشد. و اگر حرف علت باشد، آن

را حذف می کنیم مانند: لِيَدْعُ ← لِيَدْعُوا لِيَزِمِ ← لِيَزِمِيْ.

تذکره ۱- نون‌های تأکید (ثقیله و خفیفه) همانند مضارع در فعل امر،

نیز بکار گرفته می شوند.

تذکره ۲- دو صیغه متکلم، معمولاً در امر غایب بکار گرفته می شوند

در امر حاضر از آنها استفاده نمی شود.

صرف امر حاضر معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- اِضْرِبْ	تو یک مرد بزن	۴- اِضْرِبِيْ	تو یک زن بزن
۲- اِضْرِبَا	شما دو مرد بزنید	۵- اِضْرِبَا	شما دو زن بزنید
۳- اِضْرِبُوْا	شما مردان بزنید	۶- اِضْرِبْنَ	شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَتُضْرَبْ	تو یک مرد باید زده شوی	۴- لَتُضْرَبِيْ	تو یک زن باید زده شوی
۲- لَتُضْرَبَا	شما دو مرد باید زده شوید	۵- لَتُضْرَبَا	شما دو زن باید زده شوید
۳- لَتُضْرَبُوْا	شما مردان باید زده شوید	۶- لَتُضْرَبْنَ	شما زنان باید زده شوید

صرف امر غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيَضْرِبْ	باید یک مرد بزند	۵- لِيَضْرِبَا	باید دو زن بزنند
۲- لِيَضْرِبَا	باید دو مرد بزنند	۶- لِيَضْرِبْنَ	باید همه زنان بزنند
۳- لِيَضْرِبُوا	باید همه مردان بزنند	۷- لِأَضْرِبْ	باید بزنم
۴- لِيَضْرِبْ	باید یک زن بزند	۸- لِيَضْرِبْ	باید بزنیم

صرف امر غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيَضْرِبْ	باید یک مرد زده شود	۵- لِيَضْرِبَا	باید دو زن زده شوند
۲- لِيَضْرِبَا	باید دو مرد زده شوند	۶- لِيَضْرِبْنَ	باید همه زنان زده شوند
۳- لِيَضْرِبُوا	باید همه مردان زده شوند	۷- لِأَضْرِبْ	باید زده شوم
۴- لِيَضْرِبْ	باید یک زن زده شود	۸- لِيَضْرِبْ	باید زده شویم

صرف امر حاضر معلوم بانون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- اِضْرِبَنَّ	حتماً تو یک مرد بزنی	۴- اِضْرِبِیْ	حتماً تو یک زن بزنی
۲- اِضْرِبَانَّ	حتماً شما دو مرد بزنید	۵- اِضْرِبَانَّ	حتماً شما دو زن بزنید
۳- اِضْرِبُنَّ	حتماً شما مردان بزنید	۶- اِضْرِبُنَّ	حتماً شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول بانون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- تُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد زده شوی	۴- تُضْرَبِیْ	باید حتماً تو یک زن زده شوی
۲- تُضْرَبَانَّ	باید حتماً شما دو مرد زده شوید	۵- تُضْرَبَانَّ	باید حتماً شما دو زن زده شوید
۳- تُضْرَبُنَّ	باید حتماً شما مردان زده شوید	۶- تُضْرَبُنَّ	باید حتماً شما زنان زده شوید

صرف امر غایب معلوم بانون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۵- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن دوزن بزنند
۲- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن دو مرد بزنند	۶- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن همه زنان بزنند
۳- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن همه مردان بزنند	۷- لِأَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنم
۴- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک زن بزند	۸- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنیم

صرف امر غایب مجهول بانون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۵- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن دوزن زده شوند
۲- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۶- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن همه زنان زده شوند
۳- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن همه مردان زده شوند	۷- لِأَضْرِبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۴- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۸- لِيَضْرِبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف امر حاضر معلوم و مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- اِضْرِبْ	حتماً تو یک مرد بزنی	۴- لِيُضْرَبْ	البته باید تو یک مرد زده شوی
۲- اِضْرِبْ	حتماً شما همه مردان بزنید	۵- لِيُضْرَبُوا	البته باید شما همه مردان زده شوید
۳- اِضْرِبِي	حتماً تو یک زن بزنی	۶- لِيُضْرَبِي	البته باید تو یک زن زده شوی

صرف امر غایب معلوم با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيُضْرَبْ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۴- لِأُضْرَبْ	باید حتماً بزنم
۲- لِيُضْرَبُوا	باید حتماً آن همه مردان بزنند	۵- لِنُضْرَبْ	باید حتماً بزنیم
۳- لِيُضْرَبِي	باید حتماً آن یک زن بزند		

صرف امر غایب مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيُضْرَبْ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۴- لِأُضْرَبَ	باید حتماً زده شوم
۲- لِيُضْرَبُوا	باید حتماً آن همه مردان زده شوند	۵- لِنُضْرَبَ	باید حتماً زده شویم
۳- لِيُضْرَبِي	باید حتماً آن یک زن زده شود		

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت امر حاضر را شرح دهید.
- ۲- اگر عین فعل مضارع مضموم باشد به همزه وصل امر چه حرکتی داده می شود؟
- ۳- روش ساخت امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول را شرح دهید.
- ۴- در چه صورتی در اول مضارع همزه وصل مکسور می آوریم؟
- ۵- امر حاضر را از «تَسْمَعُ» بنا کنید.
- ۶- نوع امر و صیغه را در فعل های زیر مشخص کنید:
أَنْصُرِي - أَنْصُرْنَ - لِيَنْصُرُنَا - لِيَنْصُرُوا - لِيَنْصُرْنَ - لِيَنْصُرُوا
- ۷- امر حاضر معلوم را با نون ثقیله صرف نمائید.
- ۸- تمام انواع فعل امر را در دفتر خویش نوشته و ترجمه کنید.
- ۹- «لام امر» و «لام تأکید» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس دهم

روش ساخت فعل نهی

فعل نهی از فعل مضارع ساخته می شود بدین طریق که «لای» نهی در اول فعل مضارع می آوریم و آن را نهی می سازیم. «لای» نهی بشرح زیر در فعل مضارع عمل می کند:

الف - آخر پنج صیغه را مانند «لم» جازمه مجزوم می سازد. و اگر حرف آخر آن، حرف علت باشد، آن را ساقط می کند.

ب - نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می کند و در دو صیغه جمع مؤنث حاضر و جمع مؤنث غایب هیچ عمل لفظی نمی کند.

نون تأکید همانگونه که در آخر فعل مضارع می آید در آخر فعل نهی هم می آید.

صرف فعل نهی مخاطب معلوم

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
تو یک زن نزن	۴- لَا تُضْرِبِي	تو یک مرد نزن	۱- لَا تُضْرِبْ
شما دو زن نزنید	۵- لَا تُضْرِبَا	شما دو مرد نزنید	۲- لَا تُضْرِبَا
شما همه زنان نزنید	۶- لَا تُضْرِبْنَ	شما همه مردان نزنید	۳- لَا تُضْرِبُوا

صرف فعل نهی مخاطب مجهول

ترجمه	صیغه	ترجمه	صیغه
تو یک زن زده نشو	۴- لَا تُضْرَبِي	تو یک مرد زده نشو	۱- لَا تُضْرَبْ
شما دو زن زده نشوید	۵- لَا تُضْرَبَا	شما دو مرد زده نشوید	۲- لَا تُضْرَبَا
شما همه زنان زده نشوید	۶- لَا تُضْرَبْنَ	شما همه مردان زده نشوید	۳- لَا تُضْرَبُوا

صرف فعل نهی غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يُضْرَبُ	باید آن یک مرد نزنند	۵- لَا تُضْرَبَا	باید آن دو زن نزنند
۲- لَا يُضْرَبَا	باید آن دو مرد نزنند	۶- لَا يُضْرَبْنَ	باید آن همه زنان نزنند
۳- لَا يُضْرَبُوا	باید آن همه مردان نزنند	۷- لَا أُضْرَبُ	باید نزنم
۴- لَا تُضْرَبُ	باید آن یک زن نزنند	۸- لَا تُضْرَبُ	باید نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يُضْرَبُ	باید آن یک مرد زده نشود	۵- لَا تُضْرَبَا	باید آن دو زن زده نشوند
۲- لَا يُضْرَبَا	باید آن دو مرد زده نشوند	۶- لَا يُضْرَبْنَ	باید آن همه زنان زده نشوند
۳- لَا يُضْرَبُوا	باید آن همه مردان زده نشوند	۷- لَا أُضْرَبُ	باید زده نشوم
۴- لَا تُضْرَبُ	باید آن یک زن زده نشود	۸- لَا تُضْرَبُ	باید زده نشویم

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک مرد نزن	۴- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک زن نزن
۲- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو مرد نزنید	۵- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو زن نزنید
۳- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه مردان نزنید	۶- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک مرد زده نشوی	۴- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک زن زده نشوی
۲- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو مرد زده نشوید	۵- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو زن زده نشوید
۳- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه مردان زده نشوید	۶- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه زنان زده نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته آن یک مرد نزنند	۵- لَا تُضْرَبَانِ	باید البته دوزن نزنند
۲- لَا يُضْرَبَانِ	باید البته دو مرد نزنند	۶- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته زنان نزنند
۳- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته مردان نزنند	۷- لَا أُضْرَبَنَّ	باید البته نزنم
۴- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته یک زن نزنند	۸- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته یک مرد زده نشود	۵- لَا تُضْرَبَانِ	باید البته دوزن زده نشوند
۲- لَا يُضْرَبَانِ	باید البته دو مرد زده نشوند	۶- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته زنان زده نشوند
۳- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته مردان زده نشوند	۷- لَا أُضْرَبَنَّ	باید البته زده نشوم
۴- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته یک زن زده نشود	۸- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته زده نشویم

صرف فعل نهی مخاطب معلوم مؤکد بانون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته تو یک مرد تزی	۱- لَا تُضْرِبَنَّ
باید البته شما مردان تزی	۲- لَا تُضْرِبُنَّ
باید البته تو یک زن تزی	۳- لَا تُضْرِبِيَنَّ

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤکد بانون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته تو یک مرد زده نشوی	۱- لَا تُضْرَبَنَّ
باید البته شما مردان زده نشوید	۲- لَا تُضْرَبُنَّ
باید البته تو یک زن زده نشوی	۳- لَا تُضْرَبِيَنَّ

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکد با نون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته یک مرد نزنند	۱- لَا يُضْرِبَنَّ
باید البته مردان نزنند	۲- لَا يُضْرَبُونَ
باید البته یک زن نزنند	۳- لَا تُضْرَبْنَ
باید البته نزنم	۴- لَا أُضْرِبَنَّ
باید البته نزنیم	۵- لَا نُضْرِبَنَّ

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکد با نون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته یک مرد زده نشود	۱- لَا يُضْرَبَنَّ
باید البته مردان زده نشوند	۲- لَا يُضْرَبُونَ
باید البته یک زن زده نشود	۳- لَا تُضْرَبْنَ
باید البته زده نشوم	۴- لَا أُضْرَبَنَّ
باید البته زده نشویم	۵- لَا نُضْرَبَنَّ

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت فعل نهی غایب را شرح دهید.
- ۲- «لای» نهی در فعل مضارع چه تغییری انجام می دهد؟
- ۳- آیا نون تأکید در آخر فعل نهی هم می آید؟
- ۴- از «تَنْصُرُ» فعل نهی مخاطب بسازید.
- ۵- در صیغه های زیر نوع نهی و نوع صیغه را مشخص سازید:
لَاتَنْصُرُ - لَأَنْصُرُ - لَاتَنْصُرَنَّ - لَأَنْصُرَنَّ - لَاتَنْصُرَانِ - لَأَنْصُرَانِ
- ۶- فعل نهی غایب معلوم با نون ثقیله را صرف نمائید.
- ۷- همه انواع فعل نهی را حفظ نموده، با ترجمه در دفتر تمرین خویش بنویسید.
- ۸- «لای نهی» و «لای نفی» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس یازدهم

روش ساخت اسم فاعل و اسم مفعول از «ثلاثی مجرد»^(۱)

تعریف اسم فاعل: اسم فاعل به اسمی گفته می شود که برکننده کار یا دارنده حالتی دلالت کند مانند: ضَارِبٌ (زننده)، گَرِيمٌ (بزرگوار).

اسم فاعل از فعل مضارع معلوم با قوانین زیر ساخته می شود:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.

- ۲- فاء الفعل را فتحه می دهیم.

- ۳- بین فاء الفعل و عین الفعل، الف (که علامت فاعل است) اضافه می نمائیم.

- ۴- لام الفعل را تنوین (که علامت اسم است) می دهیم.

مانند: يَضْرِبُ ← ضَارِبٌ

صرف اسم فاعل

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- ضَارِبٌ	یک مرد زننده	۴- ضَارِبَةٌ	یک زن زننده
۲- ضَارِبَانِ	دو مرد زننده	۵- ضَارِبَتَانِ	دو زن زننده
۳- ضَارِبُونَ	مردان زننده	۶- ضَارِبَاتٌ	زنان زننده

۱- ثلاثی مجرد به کلماتی گفته می شود که فقط سه تا حرف اصلی داشته باشد و بس.

تعریف اسم مفعول: اسم مفعول اسمی است که بر کسی یا چیزی که فعل بر او واقع می شود، دلالت کند، مانند: **مَضْرُوبٌ** (یک مرد زده شده) **مَنْصُورٌ** (یک مرد یاری شده)

اسم مفعول از فعل مضارع مجهول با قوانین زیر ساخته می شود:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.
- ۲- میم مفتوح را به جای علامت مضارع اضافه می کنیم.
- ۳- عین الفعل را ضمه می دهیم.
- ۴- بین عین الفعل و لام الفعل، واو ساکنی اضافه می کنیم.
- ۵- لام الفعل را تنوین می دهیم. مانند: **يَضْرِبُ** ← **مَضْرُوبٌ**

صرف اسم مفعول

ترجمه	صیغه
یک مرد زده شده	۱- مَضْرُوبٌ
دو مرد زده شده	۲- مَضْرُوبَانِ
مردان زده شده	۳- مَضْرُوبُونَ
یک زن زده شده	۴- مَضْرُوبَةٌ
دو زن زده شده	۵- مَضْرُوبَتَانِ
زنان زده شده	۶- مَضْرُوبَاتٌ

پرسش و تمرین

- ۱- اسم فاعل از چه فعلی ساخته می شود؟
 - ۲- چگونگی ساخت اسم فاعل را شرح دهید.
 - ۳- نحوه ساختن اسم مفعول را شرح دهید.
 - ۴- اسم فاعل و اسم مفعول را صرف نموده، حفظ نمایید.
 - ۵- دو صیغه اسم فاعل مؤنث و دو صیغه اسم مفعول مؤنث بنویسید.
 - ۶- معنی صیغه‌های زیر را بنویسید.
- | | | |
|--------------|-----------|--------------|
| ضَارِبَانِ | ضَارِبَةٌ | مَضْرُوبُونَ |
| مَضْرُوبَاتٌ | مَضْرُوبٌ | |
- ۷- از **يُنْصَرُّ** و **يُنْصَرُّ** اسم فاعل و اسم مفعول بسازید و تمام صیغه‌های آنها را با ترجمه بنویسید.

درس دوازدهم

اسم ظرف زمان، مکان و اسم آله

ظرف زمان و مکان به اسمی گفته می شود که بر زمان وقوع فعل یا محل وقوع فعل دلالت نماید و آنرا از فعل مضارع بشرح ذیل می سازند:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.
- ۲- بجای آن، میم مفتوح اضافه می نمائیم.
- ۳- اگر عین الفعل مضموم باشد آنرا فتحه می دهیم وگرنه بحال خود می گذاریم.
- ۴- لام الفعل صیغه واحد را تنوین می دهیم.

صرف اسم ظرف

ترجمه	صیغه
یک جای یا یک زمان زدن	۱- مَضْرَبٌ
دو جای یا دو زمان زدن	۲- مَضْرَبَانِ
جاها یا زمانهای زدن	۳- مَضَارِبٌ

اسم آله: اسمی است که بر واسطه و ابزار فعل و عملی دلالت کند و

از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می شود:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.
- ۲- بجای آن، میم مکسور می آوریم.
- ۳- در صورتیکه عین الکلمه مفتوح نباشد، آنرا فتحه می دهیم.
- ۴- روی لام الفعل تنوین می آوریم و اگر بعد از عین الفعل، الف آورده شود، یا بعد از لام الفعل حرف تا اضافه شود، دو صیغه دیگر اسم آله که غالباً مطابق قیاس است به دست می آید.

صرف اسم آله

ترجمه	صیغه
یک آله زدن	۱- مِضْرَبٌ
یک آله زدن	۲- مِضْرَبَةٌ
دو آله زدن	۳- مِضْرَبَانِ
دو آله زدن	۴- مِضْرَبَتَانِ
آله های زدن	۵- مِضْرَابٌ
یک آله زدن	۶- مِضْرَابٌ
دو آله زدن	۷- مِضْرَابَانِ
آله های زدن	۸- مِضْرَابٌ

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت اسم ظرف زمان و مکان را شرح دهید.
- ۲- اسم آله چگونه ساخته می شود؟
- ۳- اسم ظرف دارای چند صیغه می باشد؟
- ۴- اسم آله چند صیغه دارد؟ توضیح دهید.
- ۵- اسم ظرف زمان و مکان و اسم آله را صرف نموده، در دفتر تمرین خویش با ترجمه بنویسید.
- ۶- از صیغه های زیر ظرف زمان و مکان و اسم آله را مشخص سازید:
مَحْضَرٌ - مِرْوَحَةٌ - مِفْتَاحٌ - مَطْبِخٌ - مِبْرَدٌ - مَقْصَدٌ - مَقَاصِدٌ.
- ۷- از يَكْتُبُ اسم آله بسازید و تمام صیغه های آن را با ترجمه بنویسید.

درس سیزدهم

اسم تفضیل: اسمی است که برای برتری دادن چیزی یا شخصی بر دیگری به کار می رود و از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می شود:

اسم تفضیل مذکر را اینگونه می سازیم:

۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.

۲- به جایش همزه اسم تفضیل می آوریم.

۳- اگر عین الکلمه، مفتوح نباشد، آنرا فتحه می دهیم.

روش ساخت اسم تفضیل مؤنث

۱- پس از حذف علامت مضارع، فاء الفعل را ضمه می دهیم.

۲- عین الفعل را ساکن می کنیم.

۳- بعد از لام الفعل - الف مقصوره^(۱) - می آوریم.

۱- الف مقصوره به الفی گفته می شود که نوشتنش به صورت «ی» است و خواندنش به صورت الف باشد، مانند: موسی.

صرف اسم تفضیل مذکر

ترجمه	صیغه
یک مرد زنده‌تر	۱- أَضْرَبُ
دو مرد زنده‌تر	۲- أَضْرَبَانِ
مردان زنده‌تر	۳- أَضْرَبُونَ
مردان زنده‌تر	۴- أَضْرَابُ

صرف اسم تفضیل مؤنث

ترجمه	صیغه
یک زن زنده‌تر	۱- ضُرْبِي
دو زن زنده‌تر	۲- ضُرْبِيَانِ
زنان زنده‌تر	۳- ضُرْبِيَاتُ
زنان زنده‌تر	۴- ضُرْبٌ

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت اسم تفضیل مذکر را شرح دهید.
- ۲- روش ساخت اسم تفضیل مؤنث را شرح دهید.
- ۳- اسم تفضیل مذکر چند صیغه دارد؟
- ۴- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
ضُرَبَاتٌ - ضُرَبٌ - أَضْرَابٌ - أَضْرَبٌ
- ۵- از یَكْتُبُ اسم تفضیل مذکر و مؤنث بسازید و صیغه‌ها را با ترجمه آنها بنویسید.

تذکر:

تا اینجا کتاب میزان الصرف به پایان رسید
دنباله آن کتاب منشعب تألیف "ملاحمزه بدایونی" هندی است که بنام
خدا آغاز می‌کنیم.

درس چهاردهم

حروف اصلی و زائد، ثلاثی و رباعی

حروف بر دو گونه‌اند: اصلی و زائد.

حروف اصلی به حروفی گفته می‌شود که در مقابل سه حرف «فاو عین و لام» قرار داشته باشد.

تمام افعال متصرفه و اسمای معربه به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱- ثلاثی ۲- رباعی

ثلاثی یا سه حرفی آن است که فعل ماضی اش دارای سه حرف اصلی باشد. مانند: «نَصَرَ، ضَرَبَ»

ثلاثی بر دو نوع است: ۱- ثلاثی مجرد ۲- ثلاثی مزیدفیه.

ثلاثی مجرد آن است که صیغه واحد مذکر غائب فعل ماضی آن دارای حرف زائد نباشد، مانند: «ضَرَبَ، نَصَرَ».

ثلاثی مزیدفیه آن است که صیغه واحد مذکر غائب آن دارای حروف زاید باشد، مانند: «أَكْرَمَ، ضَارَبَ».

ثلاثی مجرد بر دو قسم است: یکی قیاسی یا مطرّد که اوزان بیشتر دارد، دوّم: شاذ و خلاف قیاس که اوزانش کمتر هستند.

پوشش و تمرین

- ۱- حروف اصلی و زاید چگونه شناخته می شوند؟ توضیح دهید.
- ۲- اقسام افعال متصرفه و اسمای معربه را بیان نمائید.
- ۳- ثلاثی و رباعی را تعریف نمائید.
- ۴- اقسام ثلاثی و رباعی را بیان نمائید.
- ۵- در کلمات ذیل ثلاثی و نوع آن را مشخص سازید:
شَرِيفٌ - مَضْرُوبٌ - يُكْرِمُ - ضَارِبٌ.
- ۶- ثلاثی مجرد قیاسی و شاذ را تعریف کنید.

درس پانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۱)

ثلاثی مجرد قیاسی دارای پنج باب می باشد:

باب اول: بر وزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» با فتح عین در ماضی و ضمّه آن در مستقبل، مانند: «النَّضْرُ وَالنُّضْرَةُ» یاری نمودن که تصریفش به شرح زیر است:

نَصَرَ ماضی معلوم

يُنْضِرُ مضارع معلوم

نَضْرًا مصدر

فهو - نَاصِرٌ اسم فاعل

و - نُصِرَ ماضی مجهول

يُنْضِرُ مضارع مجهول

نَضْرًا مصدر

فذاک - مَنُضِرٌ اسم مفعول

أأمر - أَنْضِرْ امر

و النهی - لَا تُنْضِرْ نهی

الظرف - مَنُضِرٌ، مَنُضِرَانِ، مَنَاصِرٌ.

و الآلة - مَنُضِرٌ، مَنُضِرَةٌ، مَنُضِرٌ، مَنُضِرَانِ، مَنَاصِرٌ.

أفعل التفضیل - أَنْضِرُ، أَنْضِرَانِ، أَنْضِرُونَ، أَنْصِرُ (اسم تفضیل)

مذکر

نُضْرِي، نُضْرِيَانِ، نُضْرِيَاتُ، نُضْرٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

أَطْلَبُ: جستن

أَلْدُخُولُ: در آمدن

أَلْقَتَلُ: کشتن

أَلْقَتَلُ: تافتن

باب دَوَم: برون «فَعَلَ يَفْعَلُ» با فتح عین در ماضی و کسر آن در مستقبل، مانند: «الضَّرْبُ وَ الضَّرْبَةُ» زدن و رفتن بر روی زمین و بیان کردن، تصریفش چنین است:

ضَرَبَ ماضی معلوم

يَضْرِبُ مضارع معلوم

ضَرْباً مصدر

فهو - ضَارِبٌ اسم فاعل

و - ضَرِبَ ماضی مجهول

يُضْرَبُ مضارع مجهول

ضَرْباً مصدر

فذاک - مَضْرُوبٌ اسم مفعول

الامر - اِضْرِبْ امر

و النهی - لَا تَضْرِبْ نهی

الظرف - مَضْرَبٌ، مَضْرَبَانِ، مَضَارِبٌ.
 و الآلة - مَضْرَبٌ، مِضْرَبَةٌ، مِضْرَابٌ، مِضْرَبَانِ، مَضَارِيبٌ (همه انواع
 اسم آله)

افعل التفضيل - أَضْرَبُ، أَضْرَبَانِ، أَضْرَبُونَ، أَضَارِبُ (اسم تفضيل
 مذکر) ضَرْبِي، ضَرْبِيَانِ، ضَرْبِيَاتٌ، ضَرْبٌ (اسم تفضيل مؤنث)

و از همين باب است:

الْغَلْبُ: غلبه کردن

الظُّلْمُ: ستم کردن

الْفَضْلُ: جدا کردن

الْغَسْلُ: شستن

پوشش و تمرین

- ۱- ثلاثی مجرد قیاسی چند باب دارد؟
- ۲- وزن باب اوّل را مشخص سازید.
- ۳- الضَّرْبُ و الضَّرْبَةُ بر چند معنی مستعمل می شود و در چه مواردی به کار می رود؟
- ۴- باب دوّم را از مصدر «الغسل» و باب اوّل را از مصدر «الطلب» صرف نمائید.
- ۵- الفِضْلُ و الفِئْلُ از چه بابی هستند؟ مشخص سازید.
- ۶- نوع صیغه های زیر را مشخص سازید:
لَا تَنْصُرْ - مِئْرَانِ - نُصْرِيَاتُ - مِئْصَارٌ - ظَلَمِي - مَغْلُوبٌ - اَغْلَبُ
فُضْلِي - مَفْتُوْلٌ - فُئْلٌ.
- ۷- اسم آله را از مصدر «الطلب» و اسم تفضیل مذکر را از مصدر «الظلم» در دفتر تمرین خود بنویسید.
- ۸- صیغه های عربی را بنویسید.
یک زن یاری کننده - تو یک مرد وارد شو - دو مرد مورد ستم قرار گرفته تو یک مرد ستم نکن - یک زن ستمکارتر - زنان کشته شده

درس شانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۲)

باب سوّم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» با کسر عین در ماضی و فتح آن در مستقبل، مانند: «السَّمْعُ وَ السَّمَاعُ» شنیدن و گوش فراداشتن، تصریفش چنین است:

سَمِعَ ماضی معلوم

يَسْمَعُ مضارع معلوم

سَمِعاً مصدر

فهو - سَامِعٌ اسم فاعل

و - سُمِعَ ماضی مجهول

يُسْمَعُ مضارع مجهول

سَمِعاً مصدر

فذاک - مَسْمُوعٌ اسم مفعول

الامر - اِسْمَعْ امر

و النهی - لَا تَسْمَعْ نهی

الظرف - مَسْمَعٌ، مَسْمَعَانِ، مَسَامِعٌ، (مفرد، تشبیه، جمع)

و الآلة - مِسْمَعٌ، مِسْمَعَةٌ، مِسْمَاعٌ، مِسْمَعَانِ، مَسَامِيعٌ (انواع اسم آله)

افعل التفضیل - اَسْمَعُ، اَسْمَعَانِ، اَسْمَعُونَ، اَسَامِعٌ (اسم تفضیل مذکر)

سَمِعِي، سَمْعِيَانِ، سَمْعِيَاتُ، سَمِعَ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

الْعِلْمُ: دانستن

الْفَهْمُ: دریافتن

الْحِفْظُ: نگاهداشتن

الشَّهَادَةُ: گواهی دادن

الْحَمْدُ: ستودن

الْجَهْلُ: نداستن

باب چهارم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» با فتح عین در ماضی و مضارع،

مانند: «الْفَتْحُ»: گشودن و فتح کردن کشوری

تصریفش چنین است:

فَتَحَ ماضی معلوم

يَفْتَحُ مضارع معلوم

فَتْحًا مصدر

فَهُوَ - فَاتِحٌ اسم فاعل

وَ - فُتِحَ ماضی مجهول

يُفْتَحُ مضارع مجهول

فَتْحًا مصدر

فَذَاكَ - مَفْتُوحٌ اسم مفعول

الامر - افْتَحَ امر

و النهی - لا تَفْتَحَ نهی

الظرف - مَفْتَحٌ، مَفْتَحَانِ، مَفَاتِحُ

والآلة - مِفْتَحٌ، مِفْتَحَةٌ، مِفْتَاخٌ، مِفْتَاخَانِ، مِفَاتِيحٌ.

افعل التفضيل - افْتَحَ، افْتَحَانِ، افْتَحُونِ، افْتَاخُ (اسم تفضيل مذكر)

فُتِحَ، فُتِحَانِ، فُتِحَاتٌ، فُتِحُ (اسم تفضيل مؤنث).

و از همين باب است:

الْمَنْعُ: بازداشتن

الْصَّبْغُ: رنگ کردن

الرَّهْنُ: گرو داشتن

السَّلْخُ: پوست کشیدن

تذکره: هر فعلی که بر این وزن می آید مشروط است بر این که در مقابل عین الفعل و یا لام الفعل آن، حرفی از حروف شش گانه حلقى داشته باشد، به استثنای دو باب «رَكَنَ يَرْكَنُ» و «أَبَى يَأْبَى» که به صورت شاذ و خلاف قیاس می آیند.

حرف حلقى شش بود ای نور عین

همزه، هاء و حاء و خاء و عین و غین

پرسش و تمرین

- ۱- وزن باب سوّم و چهارم را مشخص سازید.
- ۲- مصدر «الشَّهَادَةُ» از کدام باب است؟
- ۳- فعلی که بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» می آید باید دارای چه شرطی باشد؟
- ۴- حروف حلقی چند تا هستند؟ آنها را نام ببرید
- ۵- مصدر «الرَّهْنُ» و «السَّلْخُ» را از باب چهارم صرف نمائید.
- ۶- «الصَّبْغُ» و «الْجَهْلُ» از چه بابهایی هستند؟ مشخص نمائید.
- ۷- اسم تفضیل و اسم آله مصدرهای «الْعِلْمُ» و «الْحَمْدُ» را توضیح

دهید.

۸- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

مَحْفُوظٌ، مَسْلَخٌ، أَفْهَمُونَ، لَا تَجْهَلُ، أَمَانٌ،

جُهَلِيَّاتٌ

۹- صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل جحد معلوم از مصدر

«العلم» بنویسید: ۴- ۹- ۱۳- ۶- ۸- ۱۱- ۷

درس هفدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۳)

باب پنجم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» با ضمه عین در ماضی و مضارع مانند:
«الْكَرْمُ وَالْكَرَامَةُ» بزرگوار شدن، تصریفش چنین است:

كَرْمٌ ماضی معلوم

يَكْرُمُ مضارع معلوم

كَرْمًا وَكَرَامَةً مصدر

فَهُوَ - كَرِيمٌ اسم فاعل

الامر - اُكْرِمُ امر

و النهی - لَا تَكْرُمُ نهی

الظرف - مَكْرَمٌ، مَكْرَمَانِ، مَكَارِمٌ

و الآلة - مِكْرَمٌ، مِكْرَمَةٌ، مِكْرَامٌ، مِكْرَمَانِ، مَكَارِمٌ

افعل التفضیل - اَكْرَمٌ، اَكْرَمَانِ، اَكْرَمُونَ، اَكْرَامٌ (اسم تفضیل مذکر)

كُرْمِي، كُرْمِيَانِ، كُرْمِيَاتٌ، كُرْمٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

الْلُّطْفُ وَ اللُّطَافَةُ: پاکیزه شدن

الْقُرْبُ: نزدیک شدن

الْبُعْدُ: دور شدن

الْكَثْرَةُ: بسیار شدن

تذکره: این باب، لازم است (یعنی مجهول و مفعول ندارد) و اسم فاعل آن، عموماً بر وزن «فَعِيلٌ» می آید.

پرسش و تمرین

- ۱- وزن باب پنجم را مشخص سازید.
- ۲- ماضی (الْكَثْرَةُ) و (اللِّطَافَةُ) را از باب پنجم صرف نمایید.
- ۳- آیا باب پنجم اسم مفعول و مضارع مجهول دارد؟
- ۴- اسم فاعل باب «فَعْلٌ يَفْعُلُ» بر چه وزنی می آید؟
- ۵- اسم تفضیل مؤنث و اسم ظرف مصدر «الْقُرْبُ» و «الْبُعْدُ» را بنویسید.

- ۶- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
قُرْبِيَانِ، بَعِيدَةٌ، كُرْمِي، كَثْرٌ، مِلْطَقَةٌ
- ۷- ماضی مجهول و اسم مفعول را از باب «الْكَثْرَةُ» صرف کنید.
- ۸- صیغه‌های زیر را ترجمه کنید:

مِكَاثِرٌ	الطُّفَى	مِبْعَدٌ
قُرْبِيَاتٌ	لَا تَقْرَبَا	

درس هجدهم

(۱) ابواب شاذ ثلاثی مجرد

ثلاثی مجردی که به صورت شاذ و خلاف قانون می آید و اوزانش اندک هستند، از سه باب می آید.

باب اول: بر وزن «فَعِلَ یَفْعِلُ» با کسره عین در ماضی و مضارع، مانند: «الْحَسِبُ وَ الْحَسِبَانُ» پنداشتن و گمان بردن، که تصریفش به شرح زیر می باشد:

حَسِبَ ماضی معلوم

یَحْسِبُ مضارع معلوم

حَسِبًا وَ حَسِبَانًا مصدر

فهو - حَاسِبٌ اسم فاعل

و - حُسِبَ ماضی مجهول

یُحْسَبُ مضارع مجهول

حَسِبًا وَ حَسِبَانًا مصدر

فذاک - مَحْسُوبٌ اسم مفعول

الامر - اِحْسِبْ امر

والنهی - لَا تَحْسِبْ نهی

الظرف - مَحْسَبٌ، مَحْسَبَانِ، مَحَاسِبٌ.

والآلة - مِحْسَبٌ، مِحْسَبَةٌ، مِحْسَابٌ، مِحْسَبَانٍ، مَحَاسِبٌ
 افعال التفضيل - أَحْسَبُ، أَحْسَبَانِ، أَحْسَبُونَ، أَحَاسِبٌ (مذكر)
 حُسْبِي، حُسْبِيَانِ، حُسْبِيَاتٌ، حُسْبٌ (مؤنث)

تذکر: این باب فقط دارای دو مورد صحیح است و بجز آن دو مورد، صحیحی دیگر از این باب نیامده است که عبارتند از:

«حَسِبَ يَحْسِبُ» و «نِعِمَ يَنْعِمُ» مانند: «الْنَّعْمُ وَ النَّعْمَةُ» خوش عیش شدن و آسایش یافتن.

باب دَوَم: بر وزن «فَعِلَ يَفْعُلُ» با کسر عین در ماضی و ضم آن در مضارع، مانند: «الْفَضْلُ»: افزون شدن و غلبه کردن

تصریفش به شرح زیر است:

فَضِلٌ	ماضی معلوم
يَفْضُلُ	مضارع معلوم
فَضْلًا	مصدر
فهو - فَاضِلٌ	اسم فاعل
و - فُضِلَ	ماضی مجهول
يُفْضَلُ	مضارع مجهول
فَضْلاً	مصدر
فذاک - مَفْضُولٌ	اسم مفعول
الامر - أَفْضَلُ	امر
والنهی - لَا تَفْضُلُ	نهی

الظرف - مَفْضَلٌ، مَفْضَلَانِ، مَفَاضِلٌ
 والآلة - مِفْضَلٌ، مِفْضَلَةٌ، مِفْضَالٌ، مَفَاضِيلٌ
 افعال التفضيل - أَفْضَلُ، أَفْضَلَانِ، أَفْضَلُونَ، أَفْضَلُ: مذكر
 فُضِّلِي، فُضِّلِيَانِ، فُضِّلِيَاتُ، فُضِّلُ: مؤنث
 و از همین باب است: «الْحُضُورُ»: حاضر شدن
 تذکر: از این باب فقط یک مورد صحیح آمده است که همان «فَضِلَ
 يَفْضُلُ» است، ولی بعضی از علمای صرف، «حَضِرَ يَحْضُرُ» و «نَعِمَ يَنْعَمُ»
 را نیز از همین باب شمرده‌اند.

پرسش و تمرین

- ۱- اوزان ابواب ثلاثی مجرد شاذ را مشخص سازید.
- ۲- باب اوّل دارای چند مورد صحیح می‌باشد؟
- ۳- کدام باب فقط یک مورد صحیح دارد؟
- ۴- مصدر «الحضور» را از باب دوّم صرف نمائید.
- ۵- اسم آله و اسم ظرف مصدر «النعيم» را بنویسید.
- ۶- اسم فاعل باب «حَسِبَ يَحْسِبُ» را نوشته، ترجمه نمائید.
- ۷- صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل مضارع منفی مجهول از باب
 اوّل نوشته ترجمه نمائید. ۱ - ۴ - ۹ - ۶ - ۱۲ - ۳
- ۸- به عربی ترجمه کنید:
 یک زن حاضر شد - باید یک مرد حاضر شود - هرگز نخواهیم
 حاضر شد - آن یک زن حاضر نخواهد شد - مردان حاضر شونده

درس نوزدهم

ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۲)

باب سوّم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» با ضم عین در ماضی و فتح آن در مضارع، مانند «الْكُوْدُ وَ الْكَيْدُودَةُ» خواستن و نزدیک شدن. تصریفش چنین است:

كَادَ ماضی معلوم
 يَكَادُ مضارع معلوم
 كُوْدًا وَ كَيْدُودَةً مصدر
 فهو - كَائِدٌ اسم فاعل
 و - كَيْدٌ ماضی مجهول
 يُكَادُ مضارع مجهول
 كُوْدًا وَ كَيْدُودَةً مصدر
 فذاک - مَكُوْدٌ اسم مفعول
 الامر - كُدْ امر
 والنهی - لَا تَكُدْ نهی

الظرف - مَكَادٌ، مَكَادَانِ، مَكَاوِدٌ

والآلة - مِكُوْدٌ، مِكُوْدَةٌ، مِكُوَادٌ، مِكُوْدَانِ، مَكَاوِيْدٌ

افعل التفضیل - اَكُوْدٌ، اَكُوْدَانِ، اَكُوْدُوْنَ، اَكَاوِدٌ مذکر

كُوْدِيٌّ، كُوْدِيَّانِ، كُوْدِيَّاتٌ، كُوْدٌ مؤنث

تذکره:

۱- هر فعل ماضی که مضموم العین باشد، مستقبل او نیز مضموم العین می آید، مگر معتل واوی که در مقابل عین الفعل آن، حرف «واو» باشد، مانند همین «كَادَ يَكَادُ».

۲- كُذِّتْ در اصل كُوذِّتْ بود، ضمه بر واو ثقیل بود، آنرا نقل نموده، به ما قبل دادند. واو پس از دادن حرکت به ما قبل، به عِلَّت اجتماع ساکنین افتاد، آنگاه «دال» را به «تا» تبدیل کردند، «تا» را در «تا» ادغام نمودند، «كُذِّتْ» شد.

يَكَادُ هم در اصل يَكُوذُ بود، حرکت واو را نقل نموده، به ما قبل دادند، واو را به مناسبت فتحه به الف تبدیل کردند، «يَكَادُ» شد.

پرسش و تمرین

۱- «يَكَادُ» در اصل خویش چه بوده است و چگونه يَكَادُ شده؟
توضیح دهید.

۲- «كُذَّتْ» در اصل چه بوده و چگونه «كُذَّتْ» شده است؟

۳- فعل امر «كَادَ يَكَادُ» را با ترجمه‌اش بنویسید؟

۴- مضارع مجهول «يَكَادُ» را صرف نمایید.

۵- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

كَيْدًا، كُودِي، كُودٌ، لَيْكَادَنَّ

۶- صیغه شماره‌های ۳ - ۵ - ۲ - ۶ از اسم فاعل و اسم مفعول را از

باب سوم نوشته ترجمه کنید.

۷- به عربی ترجمه کنید:

آن مردان خواستند - تو یک زن نخواهی - خواسته نشده‌ام - یک

آله خواستن - جاها یا زمانهای خواستن

درس بیستم

(۱) ابواب ثلاثی مزیدفیه

ثلاثی مزید فیه بردوگونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی باشد، دوّم آنکه ملحق به رباعی نباشد، آن نوعی که ملحق به رباعی نیست نیز بر دو قسم است: یکی آنکه دارای همزه وصل باشد، دیگر آنکه دارای همزه وصل نیست. آنکه همزه وصل را می پذیرد، نه (۹) باب دارد:

باب اوّل: بر وزن «اِفْتَعَالُ» مانند: «الْاِجْتِنَابُ» دوری جستن،

تصریفش به شرح زیر می باشد:

.....	اجْتَنَبَ	ماضی معلوم
.....	يَجْتَنِبُ	مضارع معلوم
.....	اجْتِنَاباً	مصدر
.....	فَهُوَ - مُجْتَنِبٌ	اسم فاعل
.....	وَ - أُجْتَنِبُ	ماضی مجهول
.....	يُجْتَنَبُ	مضارع مجهول
.....	اجْتِنَاباً	مصدر
.....	فَذَاكَ - مُجْتَنَبٌ	اسم مفعول
.....	الامر - اجْتَنِبْ	امر
.....	و النهی - لا تَجْتَنِبْ	نهی

و از همین باب است:

الْأَقْتِبَاسُ: فراگرفتن و استفاده نمودن

الْأَقْتِنَاصُ: صید کردن

الْأَلْتِمَاسُ: جستن

الْإِعْتِزَالُ: یکسوشدن

الْإِحْتِمَالُ: حمل نمودن و برداشتن

الْإِحْتِطَافُ: ربودن

تذکر:

ابواب مزید، اسم آله ندارند و اسم ظرفشان بر وزن اسم مفعول خواهد آمد.

باب دوم: بروزن «إِسْتِفْعَالٌ»، مانند: «الْإِسْتِنصَارُ»: طلب یاری کردن،

تصریفش چنین است:

إِسْتَنْصَرَ ماضی معلوم

يَسْتَنْصِرُ مضارع معلوم

إِسْتِنصَارًا مصدر

فهو - مُسْتَنْصِرٌ اسم فاعل

و - أُسْتَنْصِرُ ماضی مجهول

يُسْتَنْصَرُ مضارع مجهول

اِسْتِنَارًا مصدر
 فداک - مُسْتَنْصِرٌ اسم مفعول
 الأمر - اِسْتَنْصِرْ امر
 والنهی - لَا تَسْتَنْصِرْ نهی

و از همین باب است:

اَلِاسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن

اَلِاسْتِنْفَارُ: رمیدن و رماندن

اَلِاسْتِنْسَارُ: پرسیدن

اَلِاسْتِخْلَافُ: خلیفه گرفتن و جانشین اعلام کردن

اَلِاسْتِمْتَاعُ: بهره گرفتن، بر خوداری گرفتن از کسی یا چیزی

تذکر:

این هر دو باب هم به معنی لازم و هم به معنی متعدی مستعمل

می شوند.

پرسش و تمرین

۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی نیست دارای چند قسم می‌باشد؟

۲- فعل مضارع مجهولِ باب «اقتباس» را صرف نمائید.

۳- فعل امر مصدر «اعتزال» و «التماس» را صرف نمائید.

۴- ماضی مجهول مصدر «استخلاف» و «استمتاع» را صرف نمائید.

۵- ماضی معلوم مصدر «استغفار» را با ترجمه آن در دفتر خویش

بنویسید.

۶- نوع صیغه‌های زیر را مشخص و آنها را ترجمه کنید:

مُسْتَضِرُّونَ، اُسْتُخْلِفْتُمْ، مُعْتَزِلَةٌ، تَخْتَلِفُونَ، اِقْتَنَصُوا، اِقْتَبَسْنَا،

يَسْتَفْسِرُونَ

۷- صیغه شماره‌های ۸-۴-۳-۹-۱۱-۱۴- و ۱۰ از مصدرهای:

الاختلاف، الاعتزال و الاقتناص فعل مضارع معلوم را نوشته ترجمه

کنید.

درس بیست و یکم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)

باب سَوَم: بر وزن «انْفَعَالُ»، مانند: «الْأَنْفِطَارُ»: شکافته شدن. هر فعلی که بر این وزن آید، لازم می شود.
تصریفش به شرح زیر می باشد:

انْفَطَرَ ماضی معلوم

يَنْفَطِرُ مضارع معلوم

انْفِطَاراً مصدر

فهو - مُنْفَطِرٌ اسم فاعل

أأمر - انْفِطِرْ امر

و النهی - لا تَنْفَطِرْ نهی

و از همین باب است:

الْأَنْصِرَافُ: بازگشتن

الْأَنْقِلَابُ: واژگون شدن

الْأَنْخِفَافُ: سبک شدن

الْأَنْشِعَابُ: شاخ شاخ شدن (منشعب شدن)

باب چهارم: بر وزن «افْعَالُ» مانند: «الْأَخْمِرَاءُ»: سرخ و قرمز شدن، و

این باب هم لازم است که تصریفش چنین است:

..... ماضی معلوم	إِخْمَرَ
..... مضارع معلوم	يَخْمَرُ
..... مصدر	إِخْمَارًا
..... اسم فاعل	فَهُوَ - مُخْمَرٌ
..... امر	الامر - إِخْمَرْ، إِخْمِرْ، إِخْمِرْزِ
..... نهی	و النهی - لَا تَخْمَرْ، لَا تَخْمِرْ، لَا تَخْمِرْزِ

و از همین باب است:

أَلِخْضَرَاءُ: سبزرنگ شدن

أَلِضْفَرَاءُ: زردرنگ شدن

أَلِغَبْرَاءُ: غبار آلود شدن

أَلِبَلْقَاءُ: ابلق رنگ شدن

پرسش و تمرین

- ۱- باب «انفعال» لازم است یا متعدی؟
 - ۲- اسم فاعل باب «انفطار» را صرف نمائید.
 - ۳- مضارع معلوم باب «انقلاب» و «انشعاب» را صرف نمائید.
 - ۴- باب «افعال» لازم است یا متعدی؟
 - ۵- ماضی معلوم مصدر «اخضرار» را با ترجمه آن بنویسید.
 - ۶- نهی مصدر «ابلقاق» و «اصفرار» را صرف نمائید.
 - ۷- صیغه‌های زیر را ترجمه نمائید.
- مُنْقَطِرُونَ، يَنْقَطِرْنَ، اِنْقَلَبْتُمْ، يَحْمَرُّ، مُنْشَعِبَةٌ، اِغْبِرُوا، يَنْصَرِفَانِ
- ۸- صیغه شماره‌های: ۳-۷-۱۱-۸-۱۴-۶ فعل مضارع معلوم از باب الاصفرار و ماضی معلوم از باب: الانقلاب را نوشته ترجمه کنید.

درس بیست و دوم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)

باب پنجم: بر وزن «افعیلال»، مانند: «الأذھیما»: سیاه و تیره شدن،

این باب هم لازم است و تصریفش چنین است:

إذْهَامٌ ماضی معلوم

يَذْهَمُ مضارع معلوم

إذْهَيْمًا مصدر

فهو - مُذْهَمٌ اسم فاعل

الامر - إِذْهَامٌ، إِذْهَامٌ، إِذْهَامِمٌ امر

والنهی - لَا تَذْهَمُ، لَا تَذْهَامُ، لَا تَذْهَامِمِ نهی

و از همین باب است:

الْأَسْمِيرَارُ: گندم گون شدن

الْأَكْمِيْتَابُ: کمیت شدن است (کمیت: اسبی که رنگش بین سیاهی و

سرخی باشد)

الْأَشْهِيْتَابُ: سفید شدن اسب

الْأَصْحِيْرَارُ: خشک شدن گیاه

الْأَسْحِيْرَارُ: همراز شدن

باب ششم: بر وزن «إفْعِيْعَالٌ»، مانند: «أَلَا خَشِيْشَانُ»: درشت
و خشن شدن، تصریفش به شرح زیر می باشد:

إخْشَوْشَنَ ماضی معلوم

يَخْشَوْشِنُ مضارع معلوم

إخْشِيْشَانًا مصدر

فهو - مُخْشَوْشِنٌ اسم فاعل

الامر - إخْشَوْشِنُ امر

و النهی - لَا تَخْشَوْشِنُ نهی

و از همین باب است:

أَلَا خَرِيْرَاقُ: پاره شدن جامه و پیراهن

أَلَا خَلِيْلَاقُ: کهنه شدن پیراهن

أَلَا مَلِيْلَاقُ: شور شدن آب

أَلَا خَدِيْدَاقُ: کوزپشت شدن

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

پرسش و تمرین

۱- از باب «افعیلال» و «افعیعال»، کدام یک لازم و کدام یک متعدی است؟

۲- مضارع معلوم از مصدر «اکمیتات» و «اسحیرار» را صرف کنید.

۳- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

إِذْهَامَتْ، مُذْهَامَتَانِ، يَخْرُورِقْنَ، اِمْلَوْلِحَا، مُخَدَّوْدِبَةٌ

۴- اسم فاعل «اخلیلاق» و «احدیداب» را صرف نموده، ترجمه کنید.

۵- به عربی ترجمه کنید:

آن دو زن تیره و سیاه شدند - تو گندم‌گون شدی.

آن مرد کوژ پشت شد - شما دو مرد سیاه نشوید.

درس بیست و سوم

(۴)

ابواب ثلاثی مزید فیه

باب هفتم: بر وزن «افْعَوَالٌ»، مانند: «الْأَجْلُوَادُ»: شتافتن شتر،

تصرفش چنین است:

إَجْلَوْدٌ ماضی معلوم

يَجْلَوْدُ مضارع معلوم

إَجْلَوَادًا مصدر

فهو - مُجْلَوْدٌ اسم فاعل

الامر - إَجْلَوْدُ امر

والنهی - لَا تَجْلَوْدُ نهی

و از همین باب است:

الْأَخْرَوَاتُ: تراشیدن چوب

الْأَعْلَوَاتُ: قلاده و گردن‌بند به گردن شتر بستن، چنانکه

گفته می‌شود:

اعْلَوَطَ البَعِيرُ إِذَا تَعَلَّقَ بِعُنُقِهِ قِلَادَةً.

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

باب هشتم: بر وزن «افَاعُلٌ»، مانند: «الْأَثَاقِلُ»: گران‌بار و سنگین‌شدن

و خویش را سنگین بار ساختن، تصریفش چنین است:

.....	إِنَّا قَلَّ	ماضی معلوم
.....	يَنَّا قَلُّ	مضارع معلوم
.....	إِنَّا قَلًّا	مصدر
.....	فهو - مُثَا قِلُّ	اسم فاعل
.....	الامر - إِنَّا قَلُّ	امر
.....	والنهي - لَا تَنَّا قَلُّ	نهی

و از همین باب است:

أَلِدَارُكُ: در رسیدن و فهمانیدن

أَلِسَاقُطُ: افتادن

أَلِشَابُهُ: هم شکل و هم قیافه شدن

أَلِصَالِحُ: با یکدیگر آشتی کردن

باب نهم: بر وزن «إِفْعَلُّ»، مانند: «أَلِطَهَّرُّ»: پاک شدن،

تصریفش چنین است:

.....	إِطَهَّرَّ	ماضی معلوم
.....	يَطَهَّرُّ	مضارع معلوم
.....	أَطَهَّرًّا	مصدر
.....	فهو - مُطَهَّرُّ	اسم فاعل
.....	الامر - إِطَهَّرِّ	امر

و النهی - لَا تَطَهَّرْ نهی

و از همین باب است:

أَلَا زُمَّلُ: جامه بر سر کشیدن

أَلَا ضَرَعُ: زاری کردن

أَلَا جَنَّبُ: دور شدن

أَلَا ذَكَرُ: پند پذیرفتن و یاد کردن

تذکر: اصل باب «إِفَاعُلٌ» و «إِفْعُلٌ»، تَفَاعُلٌ و تَفَعُلٌ بوده، «تا» را به «فا» بدل کردند، «فا» را به مناسبت مجانست در مخرج، در «فا» ادغام نمودند، سپس همزه وصل مکسور در اوّل آن در آوردند تا ابتدا به سکون لازم نیاید، آنگاه «إِفَاعُلٌ» و «إِفْعُلٌ» شد.

پرسش و تمرین

- ۱- باب «إِفْعَوَالٌ» را از مصدر «إِخْرَوِاطٌ» صرف نمائید.
- ۲- اصل باب «إِفَاعُلٌ» و «إِفْعَلٌ» چه بوده است؟ و چگونه این دو باب تعلیل شده‌اند؟
- ۳- اسم فاعل را از مصدر «الْإِشَابَةُ» و «الْإِدَارُكُ» صرف نمائید.
- ۴- امر مصدر «الْأَزْمَلُ» و «الْأَذْكَرُ» را صرف نمائید.
- ۵- صیغه‌های زیر را ترجمه نموده، نوع آن را مشخص سازید:
 إِجْلَوْدَا، تَخْرَوُطُ، مُغْلَوَطَاتُ، إِدَارَكَا، يَشَابَهُونَ، لَا تَصَالِحَا، يَضْرَعُونَ،
 مُزْمَلٌ، يَذْكَرُ
- ۶- صیغه شماره‌های ۱-۳-۱۱-۶-۸-۴-۹ را از مصدر الْأَجْنَبُ از فعل ماضی نوشته آنها را ترجمه کنید.

درس بیست و چهارم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)

نوع دیگر ابواب مزیدفیه آن است که همزه وصل را نمی پذیرد و دارای پنج باب می باشد:

باب اول: بر وزن «افعال»، مانند «الأكرام»: گرامی داشتن، تصریفش

چنین است:

أَكْرَمَ ماضی معلوم

يُكْرِمَ مضارع معلوم

إِكْرَامًا مصدر

فهو - مُكْرِمٌ اسم فاعل

و - أَكْرِمَ ماضی مجهول

يُكْرِمُ مضارع مجهول

إِكْرَامًا مصدر

فذاک - مُكْرِمٌ اسم مفعول

الأمر - أَكْرِمَ امر

والنهی - لا تُكْرِمُ نهی

و از همین باب است:

الْإِسْلَامُ: مسلمان شدن و گردن به طاعت نهادن
 الْأَذْهَابُ: بردن
 الْأَعْلَانُ: آشکار کردن، اعلام نمودن
 الْأَكْمَالُ: تمام کردن و تکمیل نمودن

تذکره: همزه امر حاضر این باب وصلی نیست، بلکه همزه قطع است که در مضارع، موقتاً بنا به عللی حذف شده است، زیرا اصل «تُكْرِمُ» «تَأْكُرِمُ» بوده است، برای موافقت «أُكْرِمُ» که در اصل «أَأْكُرِمُ» بوده است، همزه دوّم به واسطه اجتماع همزین ساقط شد و «أَأْكُرِمُ» گردید.

باب دوّم: بر وزن «تَفْعِيلٌ»، مانند: «التَّضْرِيْفُ»: گردانیدن و

صرف نمودن

تصريفش به شرح زیر می باشد:

صَرَّفَ ماضی معلوم
يُصَرِّفُ مضارع معلوم
تَضْرِيْفًا مصدر
فَهُوَ - مُصَرِّفٌ اسم فاعل
و - صَرَّفَ ماضی مجهول
يُصَرِّفُ مضارع مجهول
تَضْرِيْفًا مصدر

فذاک - مُصَرَّفٌ اسم مفعول

الامر - صَرَّفَ امر

و النهی - لَا تُصَرِّفُ نهی

و از همین باب است:

التَّكْذِيبُ وَ الكِذَابُ: کسی را دروغگو نمودن و تکذیب کردن

التَّقْدِيمُ: پیش کردن و پیش شدن، تقدیم کردن

التَّمْكِينُ: جای دادن

التَّعْظِيمُ: بزرگداشتن

التَّعْجِيلُ: شتابی کردن

پوش و تمرین

- ۱- ثلاثی مزیدی که همزه وصل را نمی پذیرد، چند باب دارد؟
- ۲- باب افعال را از مصدر «اسلام» و «اکمال» صرف نمائید.
- ۳- «تُكْرِمُ» در اصل چه بوده است؟ توضیح دهید.
- ۴- مضارع مجهول «التعظیم» و «التعجیل» را صرف نمائید.
- ۵- ده صیغه از باب «اذهب» و ده صیغه از باب «تمکین» انتخاب نموده، آنها را ترجمه نمائید.
- ۶- نوع صیغه های زیر را مشخص سازید:
مُكْرِمُونَ، مُسْلِمَانِ، أَذْهَبْتُمْ، مُغْلِنَةٌ، أَكْمَلِي، نُمَكِّنُ، عَجَلُوا، لَا تُقَدِّمُوا
- ۷- به عربی ترجمه کنید:
 تو یک زن بردی - ما جای دادیم - شما مردان عجله خواهید کرد -
 آن دو مرد دروغگو شدند - من آشکار می کنم

درس بیست و پنجم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزید فیه (۲)

باب سوم: بر وزن «تَفَعَّلُ»، مانند: «التَّقَبَّلُ»: پذیرفتن و تصریفش چنین

است:

تَقَبَّلَ ماضی معلوم

يَتَقَبَّلُ مضارع معلوم

تَقَبُّلاً مصدر

فهو - مُتَقَبِّلٌ اسم فاعل

و - تُقَبِّلُ ماضی مجهول

يُتَقَبَّلُ مضارع مجهول

تَقَبُّلاً مصدر

فذاک - مُتَقَبِّلٌ اسم مفعول

الامر - تَقَبَّلْ امر

و النهی - لَا تَقَبَّلْ نهی

و از همین باب است:

التَّفَكُّهُ: میوه خوردن

التَّلْبُّثُ: درنگ کردن

أَلْتَعَجَّلُ: شتافتن

أَلْتَبَسُّمُ: لبخند زدن (یعنی چنان خندیدن که دندانها ظاهر شوند)

تذکر:

در باب «تَفَعَّلُ»، «تَفَاعَلُ»، «تَفَعَّلُ»، هر کجا که در اوّل کلمه، دو «تا» با هم جمع شوند، حذف نمودن یک «تا» جایز است، مانند: تَتَصَرَّفُ، تَتَضَارَبُ، تَتَدَخَّرُ، که بگوییم: تَصَرَّفُ، تَضَارَبُ، تَدَخَّرُ.

باب چهارم: بر وزن «مُفَاعَلَةٌ»، مانند: «أَلْمُقَاتَلَةُ وَ الْقِتَالُ»: با یکدیگر کارزار کردن، تصریفش چنین است:

قَاتَلَ ماضی معلوم

يُقَاتِلُ مضارع معلوم

مُقَاتَلَةٌ وَ قِتَالٌ مصدر

فهو - مُقَاتِلٌ اسم فاعل

و - قُوْتِلَ ماضی مجهول

يُقَاتِلُ مضارع مجهول

مُقَاتَلَةٌ وَ قِتَالٌ مصدر

فذاک - مُقَاتِلٌ اسم مفعول

أَلأمر - قَاتِلٌ امر

و النهی - لَأُقَاتِلُ نهی

و از همین باب است:

الْمُعَاقِبَةُ وَالْعِقَابُ: یکدیگر را شکنجه و عذاب کردن
 الْمُخَادَعَةُ وَالْخِدَاعُ: فریفتن و فریب دادن
 الْمُلَازِمَةُ وَاللِّزَامُ: با هم لازم گرفتن (چسبیدن با کسی یا چیزی)
 الْمُبَارَكَةُ: تبرک جستن به خداوند متعال یا به کسی یا به چیزی

پرسش و تمرین

- ۱- حذف یک «تا» در چه مواردی جایز است؟
- ۲- اسم مفعول مصدر «التَّلْبِثُ» و ماضی مجهول «التَّبَسُّمُ» را صرف
 نمائید.
- ۳- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
 قَوْلًا، مَقَاتِلَةٌ، عَوْقِبَ، خَادَعٌ، لَازِمِي، بَارِكًا.
- ۴- پنج صیغه از مصدر «المخادعة» و پنج صیغه از مصدر
 «الملازمة» و پنج صیغه از مصدر «المباركة» انتخاب نموده و آنها را
 ترجمه کنید.
- ۵- اسم فاعل مصدر «المخادعة» را نوشته ترجمه کنید.
- ۶- صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره آنها را مشخص سازید:
 تَفَكَّهُنَا - تُلَبَّثَنَا - يَتَلَبَّثُنَ - لَوْزِمَنَ - تُعَاقِبَانِ.

درس بیست و نهم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزید فیه (۳)

باب پنجم: بروزن «تَفَاعُلٌ»، مانند: «التَّجَابُلُ»: با یکدیگر روبرو شدن،

تصریفش چنین است:

تَقَابُلٌ ماضی معلوم

يَتَقَابَلُ مضارع معلوم

تَقَابُلًا مصدر

فهو - مُتَقَابِلٌ اسم فاعل

و - تُقْوِبِلٌ ماضی مجهول

يُتَقَابَلُ مضارع مجهول

تَقَابُلًا مصدر

فذاک - مُتَقَابِلٌ اسم مفعول

أأمر - تَقَابِلُ امر

و النهی - لَا تَقَابِلُ نهی

و از همین باب است: التَّخَافُتُ: با یکدیگر سخن پنهان گفتن

التَّعَارُفُ: یکدیگر را شناختن

التَّفَاخُرُ: بر یکدیگر فخر کردن

تذکر:

مجموع ابواب ثلاثی مزید فیه که ملحق به رباعی نیستند چهارده باب است (که نه باب آن، از قسم اول (دارای همزه وصل) و پنج باب، از قسم دوم (خالی از همزه) بیان شد، تا اینجا بحث ثلاثی به پایان رسید).

پوشش و تمرین

- ۱- مجموع ابواب ثلاثی مزید فیه چند باب اند؟
- ۲- صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمایید.
يَتَّقَابِلَانِ، يَتَخَافَتُونِ، مُتَعَارِفَاتُ، لَا تَتَفَاخَرُونَ، تُقْوِبِلَتَا، مُتَخَافَتَاتُ
- ۳- ماضی مجهول مصدر «التَّخَافُتُ» و مضارع مجهول مصدر «التَّفَاخُرُ» را صرف کنید.

درس بیست و هفتم

رباعی و انواع آن (۱)

رباعی بر دو قسم است: یکی مجرد که در آن حرف زایدی نباشد.

دوم: مزید که دارای حرف زاید باشد.

رباعی مجرد فقط دارای یک باب است که هم به صورت لازم و هم به

صورت متعدی به کار می‌رود و آن بر وزن «فَعَلَلْتُ» می‌باشد، مانند:

«الْبَعْثَرَةُ»: برانگیختن، تصریفش چنین است:

بَعَثَرْتُ ماضی معلوم

يُبَعَثِرُ مضارع معلوم

بَعَثَرَةٌ مصدر

فهو - مُبَعَثِرٌ اسم فاعل

و - بُعِثِرَ ماضی مجهول

يُبَعَثِرُ مضارع مجهول

بَعَثَرَةٌ مصدر

فذاك - مُبَعَثِرٌ اسم مفعول

الامر - بَعَثِرْ امر

و النهي - لَا تُبَعَثِرْ نهی

و از همین باب است:

الْدَّخْرَجَةُ: غلطانیدن و غلطیدن

الْعَشْكَرَةُ: لشکر ساختن

الْفَنْطَرَةُ: پل ساختن

الزَّعْفَرَةُ: با زعفران رنگ نمودن

رباعی مزید بر دو قسم است:

یکی آنکه دارای همزه وصل نیست، دوّم: آنکه دارای همزه وصل می باشد، آنکه دارای همزه وصل نیست فقط یک باب دارد و لازم است. و بر وزن «تَفَعَّلُ» (مانند: «التَّسْرِبُ» پیراهن پوشیدن) می آید. این باب در قرآن مجید نیامده است. و تصریفش چنین است:

تَسْرَبَلٌ ماضی معلوم

يَتَسْرَبَلُ مضارع معلوم

تَسْرِبَالًا مصدر

فهو - مُتَسْرِبِلٌ اسم فاعل

الامر - تَسْرِبِلُ امر

و النهی - لَا تَسْرِبِلُ نهی

و از همین باب است:

التَّبْرِقُ: برقع پوشیدن^(۱)

۱- برقع، لباس بلند زنانه است که صورت را نیز می پوشد.

الْتَمْفَهْرُ: مقهور و مغلوب شدن
 الْتَزْنَدُقُ: زندیق و بی دین شدن
 الْتَبْخَرُ: با ناز خرامیدن و رفتن

پوشش و تمرین

- ۱- رباعی مجرد دارای چند باب است؟
- ۲- آیا رباعی مجرد به صورت متعدی هم می آید؟
- ۳- رباعی مزید که دارای همزه وصل نیست چند باب دارد؟
 فعل مضارع معلوم رباعی را از مصدر «الْدَّخْرَجَةُ» و اسم فاعل را از «الْقَنْطَرَةُ» صرف نمائید.
- ۵- نوع صیغه‌های زیر را مشخص نمائید.
 يَتَبَرِّقَعَانِ، لَا تَزْنَدُقُ، مُتَسَرِّبِلَةٌ، تَبْخَرًا، يُعْشِكِرْنَ، تَبْرِقَعِي
- ۶- صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره‌های آنها را مشخص کنید:
 مُتَزْنَدِقَةٌ - زَعْفَرًا - يَتَبْخَرُونَ - لَا تَتَمْفَهَرَا - مُتَبَرِّقَعَاتٌ - يَقْنَطِرُونَ

درس بیست و هشتم

رباعی و انواع آن (۲)

نوعی دیگر از رباعی مزید آن است که دارای همزه وصل است و آن دو باب دارد که هر دو باب لازم اند:

باب اول: بر وزن «افعلال»، مانند: «الابرنشاق»: شاد شدن، تصریف آن به شرح زیر می باشد:

ابرنشَقُ ماضی معلوم

یَبْرُنشِقُ مضارع معلوم

ابرنشاقاً مصدر

فهو - مُبْرُنشِقُ اسم فاعل

الامر - اِبْرُنشِقُ امر

والنهی - لا تَبْرُنشِقُ نهی

و از همین باب است:

الْاِخْرِنْجَامُ: جمع شدن

الْاِبْلِنْدَاخُ: گشاد شدن و فراخ شدن جایگاه

الْاَسْلِنَطَاخُ: بر قفا و پشت خوابیدن

الْأَعْرِنَكَاسُ: سیاه شدن موی

تذکر:

این باب در قرآن مجید وارد نشده است.

باب دَوَم: بر وزن «إِفْعَالٌ»، مانند: «الْأَقْشِعْرَارُ»: موی برتن خاستن،

تصریفش چنین است:

إِقْشَعْرٌ ماضی معلوم

يَقْشَعِرُ مضارع معلوم

إِقْشَعْرَارًا مصدر

فهو - مُقْشَعِرٌ اسم فاعل

الامر - إِقْشَعِرْ، إِقْشَعِرْ، إِقْشَعِرْ امر

والنهی - لَا تَقْشَعِرْ، لَا تَقْشَعِرْ، لَا تَقْشَعِرْ نهی

و از همین باب است:

الْأَقْمِطْرَارُ: شدیداً ناراضی و ناخشنود بودن

الْأَشْمِخْرَارُ: بلند شدن

الْأَشْفِطْرَارُ: پراکنده شدن

الْأَزْمِهْرَارُ: سرخ شدن چشم

الْأَسْمِهْرَارُ: سخت شدن خار

تذکر: این باب در قرآن مجید آمده است، کَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى: تَفْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ. (قرآن کریم)

پوشش و تمرین

- ۱- رباعی مزیدی که همزه وصل را می پذیرد، چند باب دارد؟
- ۲- بابهای «افْعَلَال» و «افْعَلَال» لازم اند یا متعدی؟
- ۳- ماضی معروف مصدر «الْأَغْرِنَكَاسُ» را صرف نمائید.
- ۴- اسم فاعل مصدرهای «الْأَشْفِتْرَارُ» و «الْأَزْمِهْرَارُ» را صرف نمائید.
- ۵- نوع صیغه های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.
تَبْرُنْشِقَانِ، مُبْلِنْدِ حُونِ، إِفْشَعِرْزِ، يَشْفِتْرُونِ، إِخْرَنْجَمَتَا، مُشْمَخِرَةٌ.
- ۶- مضارع «الْأَقْمِطْرَارُ» و ماضی «الْأَسْلِنِطَاحُ» را با ترجمه آن بنویسید.

درس بیست و نهم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۱)

ثلاثی مزید بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی مجرد است.

دوم: آنکه ملحق به رباعی مزیدفیه است.

ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است آنرا هفت باب است:

باب اول: بر وزن «فَعَلَّلَهُ»، مانند: «الْجَلْبِيَّةُ»: چادر پوشیدن، که

تصریفش چنین است:

جَلَبَبَ ماضی معلوم

يُجَلِبُّ مضارع معلوم

جَلْبِيَّةٌ مصدر

فهو - مُجَلِبٌ اسم فاعل

و - جَلِبٌ ماضی مجهول

يُجَلِبُّ مضارع مجهول

جَلْبِيَّةٌ مصدر

فذاک - مُجَلِبٌ اسم مفعول

الامر - جَلِبٌ امر

والنهی - لَا تُجَلِّبُ نهی

و از همین باب است:

الشَّمْلَةُ: شتافتن

تذکره: این باب نیز در قرآن وارد شده است.

باب دَوَم: بر وزن «فَعْنَلَةٌ»، (بازیادتی «نون» میان عین و لام) مانند:

«الْقَلْنَسَةُ»: کلاه پوشیدن، تصریفش چنین است.

قَلْنَسٌ ماضی معلوم

يُقَلْنَسُ مضارع معلوم

قَلْنَسَةٌ مصدر

فهو - مُقَلْنَسٌ اسم فاعل

و - قَلْنَسٌ ماضی مجهول

يُقَلْنَسُ مضارع مجهول

قَلْنَسَةٌ مصدر

فذاک - مُقَلْنَسٌ اسم مفعول

الامر - قَلْنَسٌ امر

والنهی - لَا تُقَلْنَسُ نهی

باب سَوَم: بر وزن «فَعْوَلَةٌ»، (بازیادتی «واو» میان عین و لام) مانند:

«السَّرْوَلَةُ»: شلوار پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

سَرْوَلٌ	ماضی معلوم
يُسْرَوِلُ	مضارع معلوم
سَرْوَلَةٌ	مصدر
فهو - مُسْرَوِلٌ	اسم فاعل
و - سُرْوِلٌ	ماضی مجهول
يُسْرَوِلُ	مضارع مجهول
سَرْوَلَةٌ	مصدر
فذاک - مُسْرَوِلٌ	اسم مفعول
الامر - سَرْوِلُ	امر
والنهی - لَا تُسْرَوِلُ	نهی

و از همین باب است:

الْجَهْوَرَةُ: صدا بلند کردن

باب چهارم: بر وزن «فَوَعَلَةٌ»، (با زیادتی «واو» میان فاء و عین) مانند:

«الْجَوْرَبَةُ»: جوراب پوشیدن و تصریفش به شرح ذیل است:

جَوْرَبٌ	ماضی معلوم
يُجَوْرِبُ	مضارع معلوم
جَوْرَبَةٌ	مصدر
فهو - مُجَوْرِبٌ	اسم فاعل

- و - جُورِبُ ماضی مجهول
 يُجَوِّرُبُ مضارع مجهول
 جَوْرَبَةٌ مصدر
 فذاک - مُجَوِّرِبُ اسم مفعول
 الامر - جَوِّرِبُ امر
 والنهی - لَا تُجَوِّرِبُ نهی

و از همین باب است: الْحَوْقَلَةُ: خیلی پیر شدن

تذکره ۱:

بابهای دوّم، سوّم و چهارم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

تذکره ۲:

الحاق در لغت به معنای پیوستن می‌آید و در اصطلاح اهل صرف آن است که در کلمه، حرفی اضافه کنند تا آن کلمه بر وزن کلمه دیگر درآید برای اینکه همان حکمی که ملحق به دارد، ملحق نیز پیدا کند. و شرط الحاق آن است که مصدر ملحق با مصدر ملحق به، موافق باشد نه مخالف.

پرسش و تمرین

- ۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است، چند باب دارد؟
- ۲- مضارع مجهول مصدر «الْجَهْوَرَةُ» را نوشته، ترجمه نمائید.
- ۳- اسم مفعول مصدر «الشَّمْلَةُ» را صرف نمائید.
- ۴- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
جَلْبِنَ، يَقْلِنِشْنَ، مُسْرَوْلَةٌ، حُوْقِلْنَا، يُجَوْرِبَانِ.

درس سیام

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۲)

باب پنجم: بر وزن «فَيْعَلَةٌ»، (با زیادتى «یا» میان فا و عین) مانند:
 «الْخَيْعَلَةُ»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش چنین است:

خَيْعَلَ ماضی معلوم

يُخَيْعِلُ مضارع معلوم

خَيْعَلَةٌ مصدر

فهو - مُخَيْعِلٌ اسم فاعل

و - خُوِعِلَ ماضی مجهول

يُخَيْعِلُ مضارع مجهول

خَيْعَلَةٌ مصدر

فذاک - مُخَيْعِلٌ اسم مفعول

الامر - خَيْعِلْ امر

والنهی - لَا تُخَيْعِلْ نهی

و از همین باب است:

الْهَيْعَمَةُ: گواه شدن

الصَّيْطَرَةُ: برگماشته شدن

و در قرآن مجید آمده است، مانند: لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ.

تذکر:

«خُوَعِلَ» در اصل «خُيِعِلَ» بود، ماقبل «یا» مضموم بود، «یا» را به واو بدل کردند، خُوَعِلَ شد.

باب ششم: بر وزن «فَعِيلَةٌ» (با زیادتی «یا» میان عین و لام) مانند: «الشَّرِيفَةُ»: برگهای درخت را بریدن، و تصریفش به شرح زیر است:

شَرِيفٌ ماضی معلوم

يُشْرِيفُ مضارع معلوم

شَرِيفَةٌ مصدر

فهو - مُشْرِيفٌ اسم فاعل

و - شُرِيفٌ ماضی مجهول

يُشْرِيفُ مضارع مجهول

شَرِيفَةٌ مصدر

فذاک - مُشْرِيفٌ اسم مفعول

الامر - شَرِيفٌ امر

والنهی - لَا تُشْرِيفُ نهی

و از همین باب است:

الْجَزِيْلَةُ: زرانندوختن

باب هفتم: بر وزن «فَعْلَاءَةٌ»، (با زیادتی الف مبدله از یا بعد از لام)

مانند: «الْقَلْسَاءُ»: کلاه پوشیدن، که اصل آن «قَلْسِيَّةٌ» بود، «یا» متحرک، ماقبل آن مفتوح، آن را به الف بدل کردند، قَلْسَاءُ شد. تصریفش چنین است:

قَلْسِيٌّ	ماضی معلوم
يُقَلْسِيٌّ	مضارع معلوم
قَلْسَاءٌ	مصدر
فهِو - مُقَلْسِيٌّ	اسم فاعل
و - قُلْسِيٌّ	ماضی مجهول
يُقَلْسِيٌّ	مضارع مجهول
قَلْسَاءٌ	مصدر
فَذَاكَ - مُقَلْسِيٌّ	اسم مفعول
الامر - قَلْسِيٌّ	امر
و النهي - لَا تُقَلْسِيٌّ	نهی

و از همین باب است: الْجَعْبَاءُ: افکندن

تذکر:

«يُقَلْسِيٌّ» در اصل خود «يُقَلْسِيٌّ» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را ساکن کردند، يُقَلْسِيٌّ شد.

«مُقَلْسِيٌّ» در اصل خود «مُقَلْسِيٌّ» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را ساکن کردند، آنگاه میان یا و تنوین، التقای ساکنین شد، یا افتاد، «مُقَلْسِيٌّ» گردید. «قُلْسِيٌّ» بر اصل خود باقی است، تغییر نکرده است.

«يُقَلِّسِي» در اصل خود «يُقَلِّسِي» بود، یا متحرک، ماقبل آن مفتوح، یا به الف تبدیل گشت، يُقَلِّسِي شد.

«مُقَلِّسٌ» در اصل خود «مُقَلِّسِي» بود، یا را بواسطه فتحه ماقبل آن، به الف تبدیل کردند، آنگاه میان الف و تنوین، التقای ساکنین شد، الف افتاد، «مُقَلِّسِي» شد.

«قَلِّسِي» در اصل خود «قَلِّسِي» بود، یا به عِلَّت مجزوم بودن افتاد، قَلِّسِي شد.

«لَا تُقَلِّسِي» در اصل خود «لَا تُقَلِّسِي» بود، یا به عِلَّت مجزوم بودن افتاد، «لَا تُقَلِّسِي» شد.

تذکر:

بابهای ششم و هفتم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

پرسش و تمرین

- ۱- «خُوْعِلَّ» در اصل چه بوده است؟ تعلیل نمائید.
- ۲- «قَلْسَاءُ» در اصل چه بوده است؟ تعلیل کنید.
- ۳- «يُقَلْسِي» و «مُقَلْسِي» در اصل خویش چه بوده‌اند.
- ۴- «مُقَلْسِي» و «قَلْسِي» در اصل چه بوده‌اند؟ و چگونه به این صیغه‌ها تبدیل شده‌اند؟
- ۵- ماضی مجهول «الْصَّيْطَرَةُ» را صرف نمائید.
- ۶- اسم مفعول «الْجَزَيْلَةُ» را صرف نموده، ترجمه نمائید.
- ۷- مضارع معلوم مصدر «الْقَلْسَاءُ» را صرف کنید.
- ۸- صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه کنید:
تُقَلْسِيَانِ - شَرِيْفِي - مُجْعِيَاتُ - جَعِبُ - مُجْرِعِلُ.

درس سی و یکم

(۱) ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید

ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مزید است، بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به «تَدَخَّرَجَ» باشد. دوّم: آنکه ملحق به «إِحْرَنْجَمَ» است. آنکه ملحق به «تَدَخَّرَجَ» باشد آن را هشت باب است:

باب اوّل: بر وزن «تَفَعَّلُ»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و تکرار لام) مانند: «التَّجَلَّبُ»؛ چادر پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَجَلَّبَ ماضی معلوم

يَتَجَلَّبُ مضارع معلوم

تَجَلَّبًا مصدر

فهو - مُتَجَلِّبٌ اسم فاعل

الامر - تَجَلَّبْ امر

والنهي - لَا تَتَجَلَّبْ نهی

و از همین باب است: التَّغَبَّرُ: غبارآلود شدن

باب دوّم: بر وزن «تَفَعَّلُ»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «نون» میان

عین و لام) مانند: «التَّقْلُسُ»: کلاه پوشیدن، که تصریفش چنین است:

تَقْلَسَ ماضی معلوم
يَتَقْلَسُ مضارع معلوم
تَقْلُسًا مصدر
فهو - مُتَقْلِسٌ اسم فاعل
الامر - تَقْلَسْ امر
والنهي - لَا تَقْلَسْ نهی

باب سَوَم: بر وزن «تَمَعُلُ»، (با زیادتی «تا» و «میم» قبل از فا) مانند:

التَّمَسُّكُنُ: مسکین شدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَمَسَّكَ ماضی معلوم
يَتَمَسَّكُ مضارع معلوم
تَمَسُّكًا مصدر
فهو - مُتَمَسِّكٌ اسم فاعل
الامر - تَمَسَّكْ امر
والنهي - لَا تَمَسَّكْ نهی

و از همین باب است:

التَّمْنَدُلُ: مسح کردن دست با مندیله و حوله، يُقَالُ: تَمْنَدَلَ الرَّجُلُ إِذَا

مَسَحَ بِالْمِنْدِيلِ يَدَهُ. (۱)

۱- باید دانست که این باب شاذ و بلکه غلط است، زیرا که میم آن طبق کلام فصحاء از حروف اصلی به شمار نمی آید.

باب چهارم: بروزن «تَفَعَّلْتُ»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و بعد از لام)

مانند:

«التَّعَفَّرْتُ»: عفریت شدن، يُقَالُ: تَعَفَّرَتِ الرَّجُلُ إِذَا صَارَ عِفْرِيَةً أَيْ خَيْبِيَةً، تصریفش چنین است:

تَعَفَّرْتُ ماضی معلوم

يَتَعَفَّرُ مضارع معلوم

تَعَفَّرْتُ مصدر

فهو - مُتَعَفِّرٌ اسم فاعل

الامر - تَعَفَّرْ امر

والنهي - لَا تَتَعَفَّرْ نهی

پرسش و تمرین

۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به «إِخْرَنْجَمَ» است، چند باب دارد؟

۲- اسم فاعل مصدر «التَّغَبَّرُ» را صرف نمایید.

۳- امر مصدر «التَّقَلُّسُ» را صرف کنید.

۴- نوع صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمایید:

تَمَسَّكْنَا، مُتَمَنِّدِلَةٌ، تَعَفَّرَتَا، تَجَلَّبَيْنِ، تَقَلَّنِسِي، تَعَفَّرَتِي

۵- ماضی معلوم «التعفرت» و مضارع «التغبرن» را صرف نموده

ترجمه کنید.

درس سی و دوم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۲)

باب پنجم: بر وزن «تَفْعُولُ»، (بازیادتی «تا» قبل از «فا» و «واو» میان فا و عین) مانند: «التَّجَوُّزُ»: جوراب پوشیدن، تصریفش به شرح زیر می باشد:

تَجَوَّزَ ماضی معلوم

يَتَجَوَّزُ مضارع معلوم

تَجَوُّزًا مصدر

فهو - مُتَجَوِّزٌ اسم فاعل

الامر - تَجَوَّزْ امر

والنهی - لَا تَتَجَوَّزْ نهی

و از همین باب است:

التَّكْوُّرُ: بسیار شدن

باب ششم: بر وزن «تَفْعُولُ»، (بازیادتی «تا» قبل از «فا» و «واو» میان

عین و لام) مانند: «التَّسْرُؤُ»: شلووار پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَسْرَأَ ماضی معلوم

يَتَسَرَّوُلٌ مضارع معلوم
 تَسَرَّوُلًا مصدر
 فهو - مُتَسَرَّوِلٌ اسم فاعل
 الامر - تَسَرَّوُلٌ امر
 والنهي - لَا تَتَسَرَّوُلُ نهی
 و از همین باب است: التَّدَهْوُرُ: گذشتن و سپری شدن شب.

باب هفتم: بر وزن «تَفَعَّلُ»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «یا» میان فا و عین) مانند: «التَّخَيَّلُ»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَخَيَّلَ ماضی معلوم
 يَتَخَيَّلُ مضارع معلوم
 تَخَيَّلًا مصدر
 فهو - مُتَخَيِّلٌ اسم فاعل
 الامر - تَخَيَّلُ امر
 والنهي - لَا تَتَخَيَّلُ نهی
 و از همین باب است:

التَّعْيَهُرُ: بی سر و سامان شدن
 التَّشْيِطُنُ: نافرمان شدن و نافرمانی کردن

باب هشتم: بر وزن «تَفَعَّلٍ»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و «یا» بعد از لام) که در اصل «تَفَعَّلُی» بوده، ضمه لام را به کسره بدل کردند از جهت موافقت با «یا»، آنگاه ضمه بر «یا» دشوار شد، «یا» را ساکن کردند، سپس النقاء ساکنین شد میان یا و تنوین، «یا» افتاد، تَفَعَّلُ شد، مانند: «التَّقْلِسِ»: کلاه پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَقْلِسُ	ماضی معلوم
يَتَقْلِسُ	مضارع معلوم
تَقْلِسِيًّا	مصدر
فهو - مُتَقْلِسٍ	اسم فاعل
الامر - تَقْلِسْ	امر
والنهي - لَا تَقْلِسْ	نهی

تذکر:

اضافه شدن «تا» در اوّل این ابواب، به خاطر الحاق نیست، بلکه برای رساندن معنی مطاوعت و فرمانبرداری و اثرپذیری است، چنانکه در «تَدَخَّرَج» بود، زیرا که الحاق به صورت اضافه نمودن حروف در اوّل کلمه، ثابت نیست.

پوشش و تمرین

- ۱- «تَقْلِسِ» در اصل چه بوده است؟
 - ۲- تائیکه در اوّل ابواب مذکوره اضافه می شود، برای چه هدفی است؟
 - ۳- فعل نهی مصدر «التَّجَوُّبُ» را صرف نمائید.
 - ۴- مضارع معلوم مصدر «التَّدْهُورُ» را صرف کنید.
 - ۵- پنج صیغه از مصدر «التَّقْلِسِ» و پنج صیغه از مصدر «التَّشْيِطُنُ» نوشته، آنها را ترجمه نمائید.
 - ۶- صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه نمائید.
- تَدْهُورُوا - تَشْيِطِنِي - مُتَخَيِّعَاتٌ - تَسْرُونَنَا - تَتَجَوَّبُ - لا تَتَشْيِطُنُ.

درس سی و سوم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۳)

ثلاثی مزیدی که ملحق به «اِخْرَنْجَمَ» بود، دارای دو باب است و هر دو باب در قرآن مجید نیامده است:

باب اول: بر وزن «اِفْعِنَالٌ»، (بازیادتی همزه وصل قبل از «فا» و «نون» بعد از عین و تکرار لام) مانند: «الْاِفْعِنَسَاسُ»: برگشتن با تندی و سخت مرتجع شدن، و تصریفش به شرح زیر است:

اِفْعِنَسَسَ ماضی معلوم
 يَفْعِنَسِسُ مضارع معلوم
 اِفْعِنَسَاساً مصدر
 فهو - مُفْعِنَسِسُ اسم فاعل
 الامر - اِفْعِنَسِسْ امر
 والنهی - لَا تَفْعِنَسِسْ نهی

و از همین باب است: اِغْرِنَكَاكُ: سیاه شدن موی

باب دوم: بر وزن «اِفْعِنَالَاءٌ»، (با زیادت همزه وصل قبل از «فا» و

«نون» میان عین و لام و «یا» بعد از لام) مانند: «الْإِسْلِقَاءُ»: بر پشت خوابیدن، تصرفش چنین است:

إِسْلَقْتُ ماضی معلوم

يَسْلُقُنِي مضارع معلوم

إِسْلِقَاءً مصدر

فهو - مُسْلِقٍ اسم فاعل

الامر - إِسْلُقِ امر

و النهي - لَا تَسْلُقِ نهی

و از همین باب است: الْإِسْرِنْدَاءُ: غلبه کردن خواب بر انسان

تذکر: «إِسْلِقَاءُ» در اصل خود «إِسْلِقَائِي» بوده است، یا بعد از الف

ساقط شد، سپس همزه به آن اضافه کردند، «إِسْلِقَاءُ» گردید.

پرسش و تمرین

۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به «إِخْرَئِجَمَ» است، چند باب دارد؟ نام ببرید.

۲- «إِسْلِنَقَاءُ» در اصل خویش چه بوده است؟ و چه تغییری آمده است؟ توضیح دهید.

۳- فعل مضارع و اسم فاعل مصدر «إِقْعِنَسَاسُ» را صرف نمایید.

۴- فعل ماضی مصدر «الْأِشْرِنْدَاءُ» و مضارع مصدر «الْأِشْرِنْدَاءُ» را صرف کنید.

۵- صیغه‌های زیر را از مصدرهای «اقعنساس» و «اسرنداء» بنویسید و ترجمه کنید.

جمع مؤنث غایب - واحد متکلم - تثنیه مخاطب مذکر - از ماضی
جمع مذکر مخاطب - تثنیه مؤنث غایب - جمع متکلم - از مضارع

منشعب منظوم

بعد حمد خدا و نعت رسول
 گوش کن از من ظلوم و جهول
 فعل از آن رو که از حروف اصول
 شد مرکب دو نوع شد منقول
 موخرش می‌کنم به نظم بیان
 یک ثلاثی، دگر رباعی دان
 هر یکی زین دو قسم را ای یار
 چون مجرد، مزیدفیه شمار
 پس ثلاثی مجرد است دو قسم
 مطرد، شاذ دان تو آن را اسم
 مطرد شد به پنج^۵ باب علم
 نصر^۱ و ضرب^۲ و سمع^۳ و فتح^۴ و کرم^۵
 شاذ را نیست زائد از سه باب
 حسب^۱ و فضل^۲ است کاد^۳ هم دریاب
 غیر ملحق تو اولاً بنگر
 همزه وصل آیدش بر سر

یا نیاید تو بعد از این دریاب
 کان درآید از و بود نه^۹ باب
 اجتناب^۱ است و دیگر استنصار^۲
 ان فطار،^۳ احمرار،^۴ احمرار^۵
 باز اخشوشن^۲ است و افعوال^۷
 هشتم اثاقل^۸ ای جوان در حال
 نهم اظْهَر^۹ آمد آن بی فصل
 و انکه ناید بر و زهمزه وصل
 پنج^۵ باب است: اوّلین اکرام
 باز تکریم،^۲ پس تقبّل^۳ نام
 چهارمین را مقاتله^۴ بشمار
 پنجمین شد: تقابل،^۵ از بردار
 پس رباعی مجرد از زائد
 غیر یک باب «بَغْتَر» ناید
 بر دو گونه مزیدفیه بدان
 یک مع حرف وصل و یک بی آن
 لیک آن قسم اوّلین این یار
 باب احرنجم است و اقشعرار
 دومین قسم را تو ای دلبر
 غیر باب تدحرج مشمر

پس ثلاثی فیه کسه او

بارباعی است ملحق، از وی گو

چون رباعی مجرد است و مزید

ملحقش نیز بر دو گونه گزید

آنکه ملحق از آن مجرد راست

هست بر هفت^۷ باب بی کم و کاست

جَلْبَبٌ، اَقْلَنْسٌ^۲ تَوَجْوَرَبٌ^۳ دان

سروله،^۴ خیعله،^۵ و شریف^۶ دان

هفتمین زان همه بود قَلْسَاةٌ^۷

ملحقات مزید گویم بات

آنکه ملحق تدحرج بگشت

جمله ابواب آن بیاید: هشت^۸

التَجَلْبَبُ، اَدْغَرٌ تَقْلَنْسٌ^۲ خوان

پس تَمَسْكُنٌ، اَدْغَرٌ تَعْفَرْتٌ^۴ دان

پس تَجْوَرَبٌ^۵ هم از تسرول^۶ گو

پس تَخْيَعِلٌ، اَقْلَنْسٌ^۷ ای خوشخوی

وان که ملحق بود به احرنجام

بر دو بابش کنیم ختم کلام

بعد خوض تمام و استقراء

آمداق عَنَسَسٌ و اسلنقاء

بهر تیسیر حفظ و ضبط تمام
کردمش نظم با دعا و سلام

تمت بالخیر

و آخر کلمتنا ان الحمد لله رب العالمین.

در مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۶۸ هـ ش، مطابق با ۱۹ شعبان ۱۴۱۰ هـ ق، شب
شنبه بعد از نماز مغرب، کار ترتیب این کتاب به اختتام رسید، از خوانندگان و
طلاب محترم و استفاده کنندگان التماس دعای خیر را دارم.

(و الله الموفق)

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

دارالعلوم زاهدان

۱۳۶۸/۱۲/۲۶ هـ ش

۱۴۱۰/۸/۱۹ هـ ق

تصحیح و بازنگری: شهریور ۱۳۷۶ هـ ش - مشهد - زندان وکیل آباد

